

تأثیر خوش گمانی به خداوند در سعادت دنیا و آخرت

Mozaffari48@Yahoo.com

حسین مظفری / استادیار گروه عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

چکیده

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی، تنظیم و جمع‌بندی آیات و روایات و بعضاً مراجعه به تفاسیر، به بررسی نقش و تأثیر «خوش‌گمانی به خداوند»، در سعادت انسان پرداخته است؛ موضوعی که علی‌رغم اهمیت آن از منظر آیات و روایات، در برخی از آثار اخلاقی، آنچنان که باید و شاید، مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. نشانه‌ها و آثار حسن‌ظن و نشانه‌ها و عواقب سوءظن، از جمله مسائلی است که این مقاله به آنها پرداخته است. در آیات و روایات، تنها به خدا امید بستن و تنها از گناه خود ترسیدن، از جمله نشانه‌های حسن‌ظن و بالا رفتن توانایی بر تحمل مشکلات، رسیدن به آرزوها در دنیا و آخرت، نجات از عذاب الهی، قرار گرفتن در زمره صدیقان و هم‌درجه پیامبران الهی شدن در بهشت، از جمله آثار حسن‌ظن شمرده شده است. در مقابل، اموری همچون ترک ازدواج از ترس فقر، فال بد زدن و ردائلی همچون بخل، ترس و حرص، از جمله لوازم و نشانه‌های سوءظن به خداوند و بدبختی در دنیا و گرفتار شدن به عذاب الهی در آخرت نیز از جمله پیامدهای سوءظن به خداوند از منظر آیات و روایات است.

کلیدواژه‌ها: خوش‌گمانی، حسن‌ظن، خداوند، بدگمانی، سوءظن، سعادت، دنیا، آخرت.

یکی از موضوعاتی که بر اساس آیات و روایات، بسیار در سعادت انسان مؤثر است و با وجود این، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، خوش گمانی به خداوند و پرهیز از هرگونه سوءظن به خدای متعال است. این مسئله با وجود اهمیتی که دارد، آنچنان که باید و شاید در آثار اخلاقی، اعم از کتب و مقالات مورد توجه قرار نگرفته است. نگارنده، اثری مستقل که به جوانب مختلف این مسئله بپردازد، سراغ ندارد؛ هرچند در برخی کتب اخلاقی و یا روایی - که نام مهم‌ترین آنها در بخش فهرست منابع آمده است - به برخی از آیات و روایات مربوط به این بحث اشاره شده و این مسئله از برخی جوانب مورد توجه قرار گرفته است. به هر حال، در این نوشتار با جست‌وجو در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، در پی واکاوی ابعاد این مسئله هستیم. با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که احصا و استقرای مطالب به‌گونه‌ای که در این مقاله آمده است، از نوآوری‌های این مقاله محسوب می‌شود.

توصیه به خوش گمانی به خداوند و پرهیز از سوءظن

در برخی از آیات و روایات، به اصل مسئله خوش گمانی به خداوند، توصیه و از هرگونه گمان بد به خداوند نهی شده است. خداوند در سوره اعراف می‌فرماید: «وَاذْعُوهُ حَوْقًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶)؛ و او را از روی بیم و امید بخوانید؛ زیرا رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است. توصیه به امید به خدا، در واقع توصیه به خوش گمانی به خداوند است و اینکه بنده بداند که علی‌رغم همه قصور و تقصیرهایی که در بندگی خویش نسبت به خداوند داشته است، این امکان وجود دارد که خداوند از روی لطف، کرم و رحمت و وسع‌هش او را مشمول عفو و مغفرت خود قرار داده و از گناهان او درگذرد. از این رو، خداوند از زبان حضرت یعقوب علیه‌السلام چنین نقل می‌کند: «وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ و از رحمت خدا ناامید نشوید که تنها کافران از رحمت خداوند ناامید می‌شوند.

در جایی دیگر، قرآن کریم، منافقان و یا افراد ضعیف‌الایمان را به دلیل گمان نادرستشان به خداوند، مذمت می‌کند و آن را از نشانه‌های فکر جاهلی برمی‌شمرد (آل عمران: ۱۵۴). چنان‌که در برخی از روایات، بدگمانی به خداوند [اگر به حدّ یأس از رحمت الهی برسد] از جمله بزرگترین گناهان کبیره شمرده شده است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶). در یکی از توصیه‌های لقمان حکیم به فرزندش نیز، بنا به نقل برخی روایات، چنین آمده است: «يَا بُنَيَّ أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ ثُمَّ سَلْ فِي النَّاسِ مَنْ ذَا الَّذِي أَحْسَنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّهِ بِهِ» (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۶)؛ فرزندم! نسبت به خداوند، خوش گمان باش و از مردم نیز بپرس که آیا کسی بوده است که نسبت به خداوند خوش گمان بوده باشد و در عین حال، خداوند را آنچنان که می‌پنداشته، نیافته است؟.

پشتوانه تکوینی توصیه به حسن ظن

اساساً توصیه‌های فقهی و اخلاقی اسلام، جملگی مبتنی بر یکسری واقعیات در زمینه خداشناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است و خدای متعال با در نظر گرفتن این واقعیات، انسان را به آنچه خیر و مصلحت او در آن است، راهنمایی می‌کند و از آنچه موجب شقاوت و بدبختی اوست، باز می‌دارد. توصیه به حسن ظن به خدای تعالی نیز از

این قاعده مستثنا نیست. مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان در این مقام به آن اشاره کرد، این است که خداوند، در هر صورت، بهترین مقدرات را برای بندگان مؤمنش رقم می‌زند و این چیزی است که هم عقل و هم نقل بر آن دلالت می‌کند. دلیل عقلی آن اجمالاً این است که عواملی که موجب می‌شود، خداوند بهترین تقدیر را رها کند و امر دیگری را برای بنده مؤمنش مقدر نماید، یا جهل است یا عجز است و یا بخل و ترس و... اینها همگی از ذات پاک باری تعالی به دور است. در نتیجه، با اطمینان می‌توان بر این مسئله تأکید کرد که از خدای مهربان، جز خیر و خوبی صادر نمی‌شود؛ هرچند ممکن است امر مقدر خداوند، مورد پسند بنده نباشد. «چه بسا چیزهایی را ناپسند می‌دارید، حال آنکه خیر شما در آن است و چه بسا اموری را خوش می‌دارید، درحالی که برای شما شر است» (بقره: ۲۱۶). در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به این نکته تصریح شده است. از جمله در روایت منسوب به امام رضا علیه‌السلام چنین آمده است:

خداوند به موسی بن عمران وحی کرد: ای موسی! من آفریده‌ای محبوب‌تر از بنده مؤمنم نیافریدم و من همانا او را به آنچه برای او بهتر است، مبتلا می‌سازم و یا در عاقبت می‌دارم؛ پس بر بالای من صبر کند و سیاستگزار نعمت‌هایم باشد و به قضای من رضایت دهد، تا او را در زمره صدیقان نزد خودم بنویسم (فقه‌الرضا، ۶: ۴۰۶ق، ص ۳۵۹).

همچنین، از آن حضرت روایت شده است:

«المؤمن يعترض كل خير؛ لو قرض بالمقاريض كان خيرا له وإن ملك ما بين المشرق والمغرب كان خيرا له» (همان، ص ۳۶۰)؛ مؤمن در معرض هر خیری قرار دارد؛ اگر او را با قیچی قطعه‌قطعه کنند برای او خیر است و اگر مالک شرق و غرب عالم شود نیز برای او خیر است.

جایگاه و اهمیت حسن‌ظن

دقت در آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که این مسئله، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و بسیار در سعادت انسان مؤثر است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام، خوش‌گمانی به خداوند، یک سوم عقل و خرد انسان شمرده شده است. به آن حضرت منسوب است که فرموده‌اند: «عقل و خرد سه جزء است؛ پس هر کس هر سه جزء را دارا باشد، عاقل است و هر کس این سه را به صورت کامل نداشته باشد، عاقل نخواهد بود. آن سه جزء عبارتند از: معرفت نیکو به خداوند داشتن، اطاعت نیکو نسبت به پروردگار و گمان نیکو نسبت به خدا داشتن» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۸۶). در روایتی از امیرمؤمنان علیه‌السلام، خوش‌گمان بودن به خداوند، دژ مستحکمی شمرده شده است که تنها مؤمنان می‌توانند خود را در پناه این دژ از خطرات و آسیب‌ها در امان بدانند: «الْتَّقَةُ بِاللَّهِ وَ حَسَنُ الظَّنِّ بِهِ حِصْنٌ لَا يَنْحَصِنُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ التَّوَكُّلُ عَلَيْهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۵۰)؛ اطمینان به خداوند و گمان نیکو به او، دژی است که تنها مؤمنان در پناه آن قرار می‌گیرند و توکل بر او، مایه نجات از هر بدی و در امان ماندن از هر دشمنی است.

در روایات دیگر، خوش‌گمانی به خدای تعالی، از جمله عبادات و بلکه در رأس عبادات شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «دوستی دنیا سرآغاز هر گناهی است و گمان نیکو داشتن نسبت به خداوند در رأس عبادات است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۲۵۸؛ حلوئی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹).

حسن ظن، از لوازم و نشانه‌های ایمان

از آیات و روایات متعددی این مطلب به دست می‌آید که از لوازم ایمان واقعی، گمان نیکو داشتن به خداوند است. از جمله خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸)؛ همانا کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا به جهاد پرداختند، ایشان امید به رحمت الهی دارند؛ یعنی امید به رحمت خداوند داشتن - که مصداقی از گمان نیکو داشتن به خداوند است، از صفات مؤمنان و مهاجران و مجاهدان فی سبیل الله است. در جای دیگر می‌فرماید: «از رحمت خدا ناامید نشوید که همانا تنها کافران از رحمت خداوند ناامید می‌شوند» (یوسف: ۸۷). در روایت آمده است: حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرضه داشت: «خداوند! کسی که تو را شناخت، اما گمان نیکویی در حق تو نداشت، به تو ایمان نیاورده است» (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۰).

دعا برای حصول حسن ظن

به دلیل اهمیت ویژه خوش‌گمانی به خداوند و تأثیر به‌سزای آن در سعادت انسان، یکی از درخواست‌هایی که ائمه معصومین علیهم السلام از خداوند داشته‌اند، همین مسئله بوده است. در دعایی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي شُكْرَكَ وَ عَلَّمْنِي حُكْمَكَ، وَ فَهَّمْنِي فِي دِينِكَ، وَ وَفَّقْنِي لِعِبَادَتِكَ، وَ هَبْ لِي حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ» (سیدبن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۵)؛ خداوند! شکر خودت را به من الهام کن، و حکمت را به من بیاموز، و فهم عمیق در دینت را به من عنایت فرما، و مرا به عبادت خویش موفق بدار، و خوش‌گمانی به خودت را به من ببخش ...

لوازم و نشانه‌های حسن ظن

مسئله دیگری که در این زمینه باید بدان توجه کرد، لوازم و نشانه‌های حسن ظن است. با این نشانه‌ها، انسان می‌تواند میزان خوش‌گمانی خود به خداوند را سنجیده و به دست آورد. نشانه‌های زیر در روایات برای خوش‌گمانی به خداوند مطرح شده است:

الف. تنها به او امید بستن و تنها از گناه خود ترسیدن
امام صادق علیه السلام فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُوَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۲)؛ خوش‌گمانی به خداوند این است که جز به او امید نداشته باشی و جز از گناه خویش ترسی. مرحوم علامه مجلسی، پس از نقل این روایت می‌فرماید:

این روایت اشاره به آن است که معنا و مقتضای خوش‌گمانی به خداوند، ترک کردن عمل و جرأت یافتن بر معاصی و گناهان با توکل بر رحمت الهی نیست، بلکه معنایش این است که [بنده مؤمن] در عین انجام عمل، بر عمل خویش تکیه نمی‌کند و امید به آن دارد که خداوند از روی فضل و کرمش آن را بپذیرد و در عین حال، ترس و بیمش از گناهان و کوتاهی‌هایش در انجام عبادات است، نه آنکه از خدایش بترسد. پس خوش‌گمانی به خداوند، منافاتی با ترس ندارد، بلکه باید با ترس بیامیزد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۳۶۷).

به عبارت دیگر، قسمت دوم روایت بدین معناست که اگر خداوند کسی را عذاب کند، این عذاب، صرفاً نتیجه عمل نادرست خود اوست و خداوند هرگز کسی را از روی ظلم و ستم مؤاخذه و مجازات نمی‌کند. پس اگر در برخی از

آیات و روایات، از ترس از خدا سخنی به میان آمده است، مقصود ترس از عدالت خداست که اگر خداوند بخواهد عادلانه با انسان رفتار کند، انسان به هلاکت می‌رسد. بنابراین، بندگان مؤمن باید از اینکه خداوند به عدالت و به اقتضای اعمالشان با آنان رفتار نموده بیمناک، و در عین حال، به لطف و فضل و کرم او امیدوار باشند. از این‌رو، در دعایی چنین آمده است: «اللهمّ عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بعدلک» (هاشمی خوئی و همکاران، ۱۴۰۰ق، ج ۱۴، ص ۳۵۶)؛ خداوند! ما با به فضل خودت معامله کن و با عدلت، معامله مکن.

ب. امید به بهشتی شدن بسیاری از بندگان خدا

یکی از مصادیق بدگمانی به خداوند این است که خداوند، تنها گروه اندکی از بندگان خود را به بهشت می‌برد و بیشتر آنان را در آخرت در دوزخ جای می‌دهد. حال آنکه بر اساس روایات، تنها گروه اندکی از بندگان خدا هستند که گرفتار قهر و غضب دائمی پروردگار می‌شوند؛ بیشتر آنان اهل نجات‌اند. جابر جعفی از امام باقر^{علیه السلام} نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «أَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ عَرَضُ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا مَسِيرَةٌ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰۸)؛ به خداوند خوش گمان باشید و بدانید که بهشت هشت در دارد و پهنای هر در به مقدار حرکت چهل ساله خواهد بود.

لوازم و نشانه‌های سوءظن

الف. ترک ازدواج از ترس فقر

ممکن است هنگامی که از خوش گمانی به خداوند سخن به میان می‌آید، همه مؤمنان خود را دارای این صفت بیندارند، اما برخی از صفات و یا رفتارها، از بدگمانی صاحبان آنها نسبت به خداوند حکایت دارد. از جمله این نشانه‌ها، آن است که کسی از ترس فقر و ناداری، از ازدواج خودداری کند. امام صادق^{علیه السلام} فرمود: «مَنْ تَرَكَ التَّرْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ، فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۵۸۶)؛ کسی که از ترس فقر و ناداری ازدواج نکند، همانا نسبت به خداوند بدگمان شده است. در واقع، عمل چنین کسی از پندار نادرست او درباره خداوند خبر می‌دهد که گویا خداوند - تعوذ بالله - از روزی رساندن مناسب به آن شخص، پس از ازدواج ناتوان است و یا با وجود توانایی نسبت به این کار، از انجام آن خودداری می‌کند. حال آنکه اولاً، خداوند بر این کار توانایی کامل دارد. ثانیاً، نه تنها ازدواج کسی مانع از روزی‌رسانی خداوند نیست، بلکه بر اساس آیات و روایات، ازدواج موجب افزایش روزی انسان نیز می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْظِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲)؛ زمینه ازدواج افراد بدون همسر و پسران و دخترانی را که شایستگی لازم برای ازدواج دارند، فراهم کنید که اگر فقیر و نیازمند نیز باشند، خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌سازد. البته ممکن است، علی‌رغم تلاش افراد برای ازدواج مردان و زنان بی‌همسر، زمینه ازدواج ایشان فراهم نشود و مجبور شوند که برای مدتی بدون همسر بمانند. اینجاست که قرآن به این افراد هشدار می‌دهد که مبدا گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنان مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می‌کند. از این‌رو، قرآن کریم، بلافاصله پس از آیه فوق می‌فرماید: «وَ لَيْسَ عَفِيفٍ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ

يَكَاحًا حَتَّى يُغَيِّبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۳؛ مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۸)؛ و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد.

ب. ردائلی همچون بخل، ترس و حرص

وجود برخی ردائلی اخلاقی نیز، نشانه بدگمانی صاحبان آنها به خداوند است. برای نمونه، به روایت زیر توجه کنید:

امیر مؤمنان علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک‌انستر نخعی می‌فرماید:

... با فرد بخیل مشورت مکن که تو را از بخشش بازمی‌دارد و از ناداری می‌ترسند. با انسان ترسو نیز مشورت مکن که تو را نسبت به امور دچار ضعف می‌سازد و از مشورت کردن با افراد حریص نیز بپرهیز که که دست یازی ظالمانه به امور را برایت زینت می‌کند. همانا بخل و ترس و حرص، خصلت‌های گوناگونی هستند که ویژگی مشترک همه آنها بدگمانی به خداوند است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۰).

ج. فال بد زدن

یکی دیگر از نشانه‌های بدگمانی به خداوند، فال بد زدن است. برخی انسان‌ها، در صورت مواجهه با برخی مسائل، همچون شنیدن صدای جغد یا عطسه کردن و یا ... فال بد زده و این امور را نشانه وقوع حوادث ناگوار برای خودشان، در صورت آغاز یا ادامه انجام کاری می‌دانند که قصد انجام آن را دارند و یا به انجام آن مشغولند. این مسئله در زبان عربی، «تَطْيِر» نامیده می‌شود. در سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله چنین آمده است: ایشان هیچ‌گاه فال بد نمی‌زد و دیگران را نیز از این کار بازمی‌داشت و بعکس، از فال نیک زدن دیگران خشنود می‌شد و خود نیز مکرر این کار را انجام می‌داد. سر مطلب این است که فال نیکو زدن، مصداقی برای خوش‌گمانی به خداوند است که حقیقتاً در رسیدن انسان به هدف و مقصدش تأثیرگذار است. در مقابل، فال بد زدن، مصداقی از بدگمانی به خداوند محسوب می‌شود. این امر می‌تواند منشأ پیامدهای ناگواری برای انسان در دنیا و آخرت شود. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ: يَا دَاوُدُ! ... كَمَا لَا تَصْرُ الطَّيْرَةُ مِنْ لَا يَتَطْيَرُ مِنْهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُتَطْيِرُونَ» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۵)؛ خداوند به داود علیه السلام چنین وحی کرد: ای داود! ... همان‌گونه که فال بد، به کسی که فال بد نمی‌زند، آسیبی نمی‌رساند، فال بد زندگان نیز از فتنه و بلای آن در امان نمی‌مانند.

آثار و برکات حسن ظن

در آیات و روایات، آثار مهمی برای خوش‌گمانی به خداوند مطرح شده است. در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. قدرت تحمل مشکلات

یکی از ثمرات خوش‌گمانی به خداوند، این است که آستانه تحمل انسان را نسبت به مشکلات بالا می‌برد؛ زیرا بنده مؤمن، در دل سختی‌ها نیز لطف و حکمت الهی را می‌بیند و به آن رضایت می‌دهد. از امام رضا علیه السلام چنین روایت شده است:

خداوند عزوجل به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود: دو نفر از بنی اسرائیل در حبس بوده‌اند و اکنون زمان آزادی‌شان فرا رسیده است. پس موسی علیه السلام به دیدارشان رفت و دید که یکی از آنان همچون مولا غر شده است. از وی پرسید: چه چیز

تو را به این حال درآورده است؟ گفت: ترس از خدا. دیگری را نگریدم که تغییری نکرده است. به او گفتم: تو و رفیقت در یک وضعیت به سر می‌بردید، دوستت را آنچنان دیدم، حال آنکه تو تغییری نکرده‌ای! آن مرد گفت: گمان من نسبت به خداوند، زیبا و نیکو بود. موسی [به درگاه الهی] عرضه داشت: خداوند! سخن این دو بنده‌ات را شنیدی، کدام یک از این دو برترند؟ خداوند فرمود: آن شخص خوش گمان به من برتر است (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۱).

ب. رسیدن به آرزوها

امام صادق علیه السلام فرمود: «ثَلَاثَةٌ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِنَّ نَالَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بُعِيَتْهُ؛ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَرَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۶)؛ سه چیز است که هر کس به آنها تمسک جوید، به آرزوی خود در دنیا و آخرت می‌رسد: کسی که به خدا چنگ زند، به قضای الهی رضایت دهد و نسبت به خداوند خوش گمان باشد.

ج. خیر دنیا و آخرت

امام رضا علیه السلام فرمود: «أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۸۴)؛ نسبت به خداوند خوش گمان باش؛ زیرا خداوند می‌فرماید: من نزد گمان بنده مؤمنم نسبت به خودم هستم؛ اگر خیر باشد خیر و اگر شر باشد هم شر.

همچنین، امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! هیچ مؤمنی به خیر دنیا و آخرت نرسیده است، مگر با حسن ظنّش به خداوند و امیدواری‌اش نسبت به او و خوش خلقی و خودداری از غیبت کردن مؤمنان ... و به خدا قسم، هیچ بنده مؤمنی گمان خود را نسبت به خداوند نیکو نمی‌کند، مگر کسی که خداوند نزد گمان او خواهد بود؛ زیرا خداوند کریم است و از اینکه گمان نیکوی بنده‌اش و امید او را نسبت به خود، بدون پاسخ گذارد، حیا می‌کند. پس گمان خود را در حق خداوند نیکو کنید و به او رغبت نشان دهید. خدای عزوجل نیز فرمود: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ» (فتح: ۶؛ فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۰)؛ گمان برندگان بد به خداوند، حوادث بد نصیب آنان باد.

د. نجات از عذاب الهی

در روایت چنین آمده است:

آخرین بنده‌ای که دستور می‌دهند او را به سمت دوزخ ببرند، به هنگام رفتن، نگاهی به پشت سر خود می‌افکنند و عرضه می‌دارد: پروردگارا! چنین گمانی درباره‌ات نداشتم. خداوند می‌فرماید: گمانت درباره‌ من چگونه بود؟ می‌گوید: گمانم این بود که گناهم را می‌آموزی و در بهشتت جایم می‌دهی. پس این هنگام، خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان من! به عزت و جلالم و به جود و کرمم و به بلندمرتبی و بزرگی‌ام، این بنده‌ام نسبت به من ساعتی گمان نیکو نداشته که اگر چنین بود، او را از آتش نمی‌ترساندم. سخن دروغ او را بپذیرید و او را وارد بهشت کنید!»، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله پس از نقل این سخن فرمود: «خداوند می‌فرماید: همانا عمل کنندگان، بر اعمالی که برای ثواب من انجام می‌دهند، تکیه نکنند؛ زیرا اگر آنان تمام عمر خود را در راه عبادت من به رنج افکنند، باز هم مقصوند و به کینه عبادت من نمی‌رسند و لایق کرامت من نمی‌گردند. آنان باید تنها به رحمت من اطمینان کنند و به فضل من امیدوار باشند و نسبت به من خوش گمان باشند. این هنگامی است که رحمت من آنان را درمی‌یابد و نعمت‌هایم به آنان می‌رسد و رضوان و مغفرت من آنان را می‌پوشاند که همانا من خداوند بخشنده و مهربانم و این چنین نامیده شدم (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳).

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

در روز قیامت، بنده‌ای را می‌آورند که به خود ستم کرده است و خداوند به او می‌فرماید: آیا تو را به اطاعت از خودم فرمان ندادم؟ آیا تو را از معصیتم باز نداشتیم؟ پاسخ می‌دهد: چرا، ای پروردگار. لکن، شهواتم بر من غلبه کرد. پس اگر مرا عذاب دهی، به واسطه گناهانم است و تو بر من ستم نکرده‌ای. پس خداوند دستور می‌دهد که او را به سوی آتش ببرند. در این هنگام آن بنده می‌گوید: خداوند! چنین گمانی درباره تو نداشتیم. خداوند می‌فرماید: گمانت درباره من چگونه بود؟ گوید: بهترین گمان را درباره تو داشتیم. پس خداوند دستور می‌دهد که او را به سمت بهشت ببرند و می‌فرماید: گمان نیکوی تو در این ساعت تو را سود بخشید (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۵).

ه. ورود به بهشت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۰۳)؛ کسی از شما نمیرد، مگر آنکه به خدا خوش گمان باشد؛ زیرا خوش گمانی به خداوند، بهای بهشت است.

و. قرار گرفتن در زمره صدیقان

در روایت آمده است که خداوند متعال، به موسی بن عمران علیه السلام چنین وحی فرمود:

یا موسی ما خلقت خلقاً أحب إلي من عبدی المؤمن وانی إنما ابتلیه لما هو خیر له و أعافیه لما هو خیر له؛ فلیصبر علی بلائی و لیشکر نعمائی و لیرض بقضائی أکتبه من الصدیقین عندی (فقه الرضا، ۴۰۶ق، ص ۳۵۹)؛ ای موسی! من خلقی محبوب‌تر از بنده مؤمنم نیافریدم و من همانا او را گاهی به بلایی که برای او خیر است، مبتلامی‌سازم و بدین‌وسیله او را می‌آزمایم و گاهی نیز او را عافیت می‌بخشیم به عافیتی که برای او خیر است؛ پس بنده مؤمنم باید بر بلایم صبر کند و نعمت‌هایم را شکرگزاری کند و به قضایم رضایت دهد تا او را از صدیقان نزد خودم بنویسم.

ز. هم درجه انبیاء شدن در بهشت

در روایت آمده است:

«أن الله تبارک و تعالی أوحی إلی داود علیه السلام فالأنة بنت فالأنة معک فی الجنة فی درجتک فصار إلیها فسألها عن عملها فخبرتہ فوجدہ مثل أعمال سائر الناس فسألها عن نیتها فقالت ما کنت فی حاله فنقلنی الله منها إلی غیرها إلا کنت بالحالة التي نقلنی إلیها أسر منی بالحالة التي کنت فیها. فقال: حسن ظنک بالله جل و عز» (همان، ص ۳۶۰)؛ خداوند تبارک و تعالی به جناب داود وحی کرد که فالان زن هم درجه تو در بهشت است. داود علیه السلام به سراغ او رفت و از عملش پرسید. وقتی آن زن از اعمال خود خبر داد، داود او را همچون سایر مردم یافت. سپس، از حالاتش پرسید. گفت: در هیچ حالتی به سر نمی‌بردم که خداوند مرا از آن حال به حالی دیگر عوض کرد، مگر آنکه حالت جدید را بیشتر دوست داشتیم! پس به او فرمود: گمان نیکویی درباره خدا داری [و همین گمان نیکوست که تو را به این مقام رسانیده است].

عواقب سوءظن به خداوند

در مقابل، در آیات و روایات، پیامدهای سوئی برای بدگمانی نسبت به خداوند آمده است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. گرفتاری و ابتلائات دنیوی و اخروی

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، بدگمان بودن به خداوند و از جمله، فال بد زدن، حقیقتاً در گرفتار شدن انسان مؤثر است. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند به داود علیه السلام چنین وحی کرد: ای داود! ... همان‌گونه که فال بد، به کسی که فال

بد نمی‌زند، آسیبی نمی‌رساند، فال بد زندگان نیز از فتنه و بلای آن در امان نمی‌ماند! ...» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۵). از امام رضا^{علیه السلام} نیز چنین روایت شده که فرمود: «گمانت را به خداوند نیکو ساز؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: من، نزد گمان بنده مؤمن خویش هستم؛ اگر خیر باشد، خیر و اگر شر باشد، شر» (کلینی، ۱۴۳۹ق، ج ۳، ص ۱۸۴).

ب. عذاب الهی

از امام رضا^{علیه السلام} روایت شده است که فرمود: «به خدا قسم! هیچ مؤمنی به خیر دنیا و آخرت نرسیده است، مگر با حسن ظنش به خداوند و امیدواری‌اش نسبت به او و خوش خلقی و خودداری از غیبت کردن مؤمنان. به خدا قسم، خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند، مگر به جهت سوءظنش به خداوند و کوتاهی‌اش در امیدواری به خدا و بدخلقی و غیبتش نسبت به مؤمنان. به خدا قسم، هیچ بنده مؤمنی گمان خود را نسبت به خداوند نیکو نمی‌کند، مگر اینکه خداوند نزد گمان او خواهد بود؛ زیرا خداوند کریم است و از اینکه گمان نیکوی بنده‌اش و امید او را نسبت به خود، بدون پاسخ گذارد، حیا می‌کند. پس، گمان خود را در حق خداوند نیکو کنید و به او رغبت نشان دهید. خدای عزوجل نیز فرمود: «گمان‌برندگان بد به خداوند، حوادث بد نصیب آنان باد» (فتح: ۶؛ فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۶۰).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به دست می‌آید که:

- از جمله اموری که در آیات و روایات، نسبت به آن به شدت تأکید شده است، مسئله خوش گمانی به خداوند است.
- پشتوانه تکوینی این توصیه اخلاقی، این است که خداوند، کامل مطلق و برتر از آن است که به گمان انسان درآید و هیچ شری از او صادر نمی‌شود. در نتیجه، هر آنچه که برای بنده مؤمنش تقدیر کند، برای او خیر است.
- حسن ظن به خداوند در روایات، یک سوم عقل و خرد، رأس عبادات و دژ مستحکمی برای مؤمنان به‌شمار آمده است.
- از جمله لوازم و نشانه‌های خوش گمانی به خداوند عبارتند از: تنها به او امید بستن و تنها از گناه خود ترسیدن، و امید به نجات بیشتر بندگان خدا.
- ترک ازدواج از ترس فقر، ناامیدی، و ردائلی همچون بخل، ترس و حرص از جمله نشانه‌ها و لوازم بدگمانی به خداوند شمرده شده‌اند.
- خوش گمانی به خداوند، موجب بالا رفتن قدرت تحمل مشکلات، رسیدن انسان به خیر و سعادت دنیا و آخرت، رهایی انسان از عذاب دوزخ، ورود به بهشت، قرار گرفتن در زمره صدیقان و هم درجه شدن با پیامبران الهی در بهشت است.
- در مقابل، بدگمانی به خداوند نیز از اسباب مهم شقاوت و بدبختی انسان در دنیا و گرفتاری او به عذاب دوزخ در آخرت است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق و تصحیح فیض الاسلام، قم، هجرت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۰۰ق، *الأمالی*، چ پنجم، بیروت، اعلمی.
- _____، ۱۴۰۶ق، *نواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چ دوم، قم، دارالشریف الرضی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تحقیق و تصحیح: جلال الدین محدث، چ دوم، قم، دارالکتب العلمیه.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ق، *نزّهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام.
- سید بن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۶، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق و تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة حیدریه.
- فتال نیشابوری، محمد بن محمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات الرضی.
- کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق و تصحیح: عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *کافی*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق، *فقه الرضا*، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ق، *تنبيه الخواطر و نزّهة النواظر*، قم، مکتبه فقیه.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله و همکاران، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تحقیق و تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری

fooladi@iki.ac.ir

nagi1364@yahoo.com

khorasani0232@gmail.com

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حسن محیطی اردکان / دکتری فلسفه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مهدی خراسانی / کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

چکیده

حادثه‌نگاری یکی از حرفه‌های مهم جامعه، به‌ویژه در عرصه رسانه می‌باشد. در هر حرفه، بایسته‌ها و نبایسته‌هایی اخلاقی وجود دارد. برای دور ماندن حادثه‌نگاری از آسیب‌های اخلاقی، رعایت اخلاق و توجه به بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی ضروری است. این پژوهش تلاش دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی، بایسته‌های اخلاقی حرفه حادثه‌نگاری را با تأکید بر آموزه‌های اسلامی و بر اساس مبانی اندیشه اخلاقی اسلام تبیین نماید. نتایج تحقیق حاکی از این است که مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی در مرحله دریافت اخبار سودمندی و عبرت‌آموز بودن آن است. در مرحله تجزیه و تحلیل بی‌طرفی و تجزیه و تحلیل مناسب است. در مرحله انتقال حوادث نیز وفای به عهد، تعهد در بیان حقایق، پابندی به منافع عمومی و رازداری از جمله بایسته‌های اخلاق حادثه‌نگاری است.

کلیدواژه‌ها: حادثه‌نگاری، اخلاق حادثه‌نگاری، صفحه حوادث، آموزه‌های اسلامی.

رسانه‌ها، یکی از ابزارهای مهم اطلاع‌رسانی و ترویج فرهنگ در عصر حاضر می‌باشند. رسانه نیاز به محتوای سالم دارد، دین و اخلاق دینی بهترین محتوایی است که رسانه‌ها می‌توانند از آن بهره ببرند. از این رو، با واژه «اخلاق رسانه» مواجه می‌شویم. رسانه، به عنوان یکی از ارکان اساسی و از عوامل مهم رشد و توسعه یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از دلایلی که مردم به رسانه‌ها اشتیاق پیدا می‌کنند، صفحه حوادث آن است. بحث اخلاق حادثه‌نگاری از جمله مباحث میان‌رشته‌ای است که در دانش جامعه‌شناسی، علم ارتباطات و اخلاق کاربردی مطرح است. یکی از سؤالات بسیار مهم در قلمرو کار حادثه‌نگاری، این است که آیا اخلاق می‌تواند در این عرصه حاکم باشد؟ آیا رعایت اخلاق در مقوله حادثه‌نگاری ضروری است؟ بایسته‌ها و چالش‌های اخلاقی حادثه‌نگاری در روزنامه بر اساس آموزه‌های اسلامی کدامند؟ دلیل اصلی به وجود آمدن این گونه پرسش‌ها در ذهن افراد، به این جهت است که بسیاری از رسانه‌ها با بایسته‌های اخلاقی و پایبندی به آن فاصله گرفته‌اند. یکی از مطالب پرطرفدار هر رسانه، بخش حوادث است. متأسفانه در محیط‌های علمی ما چندان در باب رعایت بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری بحث علمی، عالمانه و کارشناسانه مطرح نشده است. به همین دلیل، هم فقر منابع در این حوزه وجود دارد و هم آن‌گونه که باید و شاید اخلاقیات در آن مراعات نمی‌شود. از این رو، آسیب‌های اخلاقی فراوانی در حادثه‌نگاری یافت می‌شود. برای پیشینه این تحقیق، باید ویژگی‌های اخلاقی بودن، اسلامی بودن و حادثه‌نگاری در موضوعات مدنظر باشد. با توجه به تحقیقات انجام شده، کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله‌ای که درباره اخلاق حادثه‌نگاری تدوین شده باشد، یافت نشد. ولی برخی از آثاری که با عنوان «اخلاق روزنامه‌نگاری» مطرح بود، مورد بررسی قرار گرفت. از آن جمله به کتاب *اصول اخلاقی حاکم بر رسانه از دیدگاه اسلام* و همچنین *اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف آقای دکتر فولادی، کتاب *اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف کارن سنדרز ترجمه آقای علی اکبر قاضی‌زاده، کتاب *بحران و وجدان اخلاق روزنامه‌نگاری*، تألیف کارل هوسمن و ترجمه آقای داوود، مقاله «اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری: زمینه‌های تاریخی، مقررات‌گذاری‌های ملی و پژوهش‌های جهانی» تألیف دکتر معتمدزاد و مقاله «هبانی فلسفی اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری» که توسط استیفن جی. ای وارد تألیف و ترجمه پیروز اشاره کرد.

با این حال، یکی از اقدامات اساسی در این حوزه استخراج بایسته‌های اخلاقی، شناسایی آسیب‌ها، ارائه منشور اخلاقی حادثه‌نگاری و پایبندی اصحاب مطبوعات به آن می‌باشد.

این پژوهش، در فضای اخلاق کاربردی، برای سامان دادن به مسائل اخلاقی در حادثه‌نگاری با تأکید بر آموزه‌های اسلامی نگاشته شده و به بایسته‌های اخلاقی در حادثه‌نگاری می‌پردازد. این بایسته‌های اخلاقی در سه قسمت دریافت، تجزیه و تحلیل و انعکاس و انتثال حوادث بیان شده‌اند. همچنین لازم به یادآوری است از آنجایی که بیان تمام بایسته‌ها امکان‌پذیر نیست؛ در اینجا تنها به چند بایسته از مهم‌ترین آن اشاره شده است.

۱-۲. حادثه

«حادثه»، از نظر لنوی به معنای «واقعه»، «پیشامد»، «اتفاق» و «رویداد» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۴۰). در یک تعریف جامع‌تر، حادثه این‌گونه تعریف شده است: یک حادثه، رویداد و اتفاق خارجی مشخص، قابل شناسایی، ناگه، دور از انتظار و غیرقابل پیش‌بینی، غیرعادی و بدون قصد است که در یک‌زمان و مکان ویژه رخ می‌دهد و بدون دلیل آشکار است، اگرچه اثر و نتیجه‌ای مشخص دارد. یک حادثه معمولاً احتمال نتایج منفی و ناگوار دارد که با آگاهی از دلایل رویدادی که حادثه را می‌آفریند و انجام کار مناسب پیش از رویداد، می‌توان از آن جلوگیری و پیشگیری نمود (دایرة‌المعارف ایمنی و بهداشت کار، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۲۱).

حوادث موجب ایجاد فضایی می‌شود که کنترل آن نیاز به کارهای مهم و فوق‌العاده است. گاهی حادثه، باعث ایجاد یک بحران می‌شود؛ بحرانی که دارای فشار است و موجب درهم‌شکسته شدن انگاره‌های متعارف جامعه و بازخوردهای نامتعارف و پیچیده می‌شود و خطرهای، مشکلات، آسیب‌ها، تهدیدها و نیازهای تازه و جدیدی را در پی خواهد داشت. حادثه‌ها به لحاظ نوع و شدت متفاوتند. حوادث اتفاق افتاده را می‌توان در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد: شخصی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، زیست‌محیطی و طبیعی.

۲-۲. اخلاق حادثه‌نگاری

مجموعه‌ای از هنجارها و بایده‌نویدهای حاکم بر فضای حادثه‌نگاری است که وظیفه حادثه‌نگار را در دریافت، تجزیه و تحلیل و انتقال صحیح اخبار و حوادث تعیین می‌کند. همچنین، اخلاق حادثه‌نگاری اشاره دارد به اینکه یک حادثه‌نگار، وظیفه دارد در چارچوب اخلاق عمل کند و تحت هر شرایطی، اخلاق را مراعات کند و به آن پایبند باشد، هرچند که به ضرر او باشد. البته، رعایت اخلاق در هر حرفه‌ای لازم‌الاجرا است، اما رعایت آن در اینجا اهمیتی دوچندان دارد؛ چراکه یک حادثه‌نگار، در یک محدوده عمومی فعالیت می‌کند و یک شخص تنها نیست. سروکار او با افکار عمومی جامعه است و عدم پایبندی به اخلاق و یا بد اخلاقی، موجب می‌شود که افکار عمومی، آسیب‌پذیر و دچار انحراف شود و در نتیجه، رفتار جامعه دچار آسیب خواهد شد.

مراحل اخلاق حادثه‌نگاری

حادثه‌نگاران باید در همه مراتب کاری خود، به بایسته‌های اخلاقی پایبند بوده و خود را ملزم به رعایت آن کنند. رعایت و پایبندی به اصول اخلاقی ابتدا از مرحله دریافت و کسب اخبار مربوط به حوادث آغاز می‌شود که باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد. در ادامه مرحله تجزیه و تحلیل حوادث توسط حادثه‌نگار مطرح می‌شود که همچنان باید پایبند به اخلاق باشد. پس از آن، مرحله انتقال اخبار و حوادث به مخاطبان و عموم جامعه، این رسالت خطیر به پایان می‌رسد. اکنون، حادثه‌نگار اگر در هر یک از این مراحل کوتاهی کند، این حلقه و زنجیره دچار نقص می‌شود و موجب می‌شود که یا حق و حقوقی از کسی ضایع شده و یا اخبار غیرواقعی و جهت‌دار به دست مخاطب برسد. این هم به

نحوی، تزیین حقوق است. بایدهای اخلاقی، بعضی مشترک میان هر سه مرحله است و هر مرحله که توضیح داده شده، در مرحله دیگر، تکرار نشده است.

۱-۳. بایسته‌های اخلاقی دریافت اخبار

حادثه‌نگار پس از آنکه تعریف و مفهوم حادثه را فهمید، باید به دنبال حوادث مهمی که در جامعه اتفاق می‌افتد، برود. آنها را شناسایی کرده و دقت لازم را در این راه به خرج دهد تا هیچ حادثه قابل انتقالی از چشم او مخفی نماند. در ادامه بحث، برخی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی که حادثه‌نگار در دریافت حوادث و اخبار باید رعایت کند، بیان خواهد شد.

۱-۳-۱. سودمندی

لازم است حادثه‌نگار به دنبال کسب حوادثی باشد که طرح آن برای جامعه اسلامی مفید بوده و انتقال آن به ارتقای جامعه اسلامی و دستیابی به آرمان‌های نظام اسلامی منجر خواهد شد. بنابراین، باید به دنبال کسب اخباری باشد که دارای تأثیر مثبتی برای جامعه اسلامی باشد و همچنین جامعه را با معضلاتی مواجه نکند و از اهدافش باز ندارد. گاهی اوقات، در یک حادثه مانند سیل و زلزله علاوه بر مصائبی که وجود دارد، نکات مثبتی مانند همدلی و ایثار به وجود می‌آید که موجب امید به جامعه و کمتر شدن آلام می‌شود که حادثه‌نگار در اینجا باید ایفای نقش کند. ولی گاهی اوقات یک جرمی در گوشه‌ای به صورت محدود اتفاق می‌افتد که بیان آن سودمند نیست؛ بلکه شاید موجب ترویج فساد و جرم در جامعه می‌شود و افراد دیگر جامعه با آن آشنا شده و می‌فهمند چنین مفاسدی نیز هست. به‌عنوان مثال، نقل این حادثه که برخی از خانم‌ها برای آنکه تاریخ تولد فرزندشان رند باشد، تاریخ زایمان خود را عمداً جلوتر و یا به تأخیر می‌اندازند. با بیان این حادثه، افراد بیشتری نسبت به آن حساس شده و احتمال افزایش این عمل وجود دارد.

۲-۳. عبرت‌آموزی

همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خود را به درس‌آموزی و عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان فرا می‌خوانند. اسلام نیز به طور گسترده، مسلمانان را به سیر در آفاق و انفس که با تفکر و اندیشه همراه باشد و غور در سرگذشت دیگران و گذشتگان، فراخوانده است. بی‌شک این دعوت و فراخوانی، به دلیل تأثیر چشمگیری است که بر عمل و رفتار انسان داشته است.

یکی از نتایج مثبت رسانه‌ها و روزنامه‌ها، به‌ویژه در نقل و شرح حوادث را می‌توان پندآموزی و «عبرت‌آموزی» آنها دانست که در برخی موارد، موجب اصلاح رفتاری افراد خواهد شد. افراد در برخورد با حوادث می‌توانند به دو گونه عمل کنند: برخی پس از خواندن و دانستن این حوادث و رخدادها، از آنها عبور نمی‌کنند و به درک واقعیات و عمق آنها دست نمی‌یابند و در همان پوسته ظاهری و محسوس و مشهود واقع جا می‌مانند. بعضی هم از آن عبور می‌کنند و به اعماق می‌رسند و پیام‌ها و درس‌هایی را فرامی‌گیرند.

قرآن کریم، با بیان سرگذشت پیشینیان، به انسان‌ها توصیه می‌کند از آنها عبرت بگیرند و تاریخ امت‌های گذشته را نوعی عبرت برای آیندگان قلمداد می‌کند و با تعبیر «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِ كَانْ أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم: ۴۲)؛ بگو در زمین بگردید، پس با تأمل بنگرید که وضع امت‌های گذشته چگونه شد؟ تک‌تک انسان‌ها را به تأمل و تفکر و شناخت فرامی‌خواند. می‌توان گفت: اکثر آیاتی را که در آنها «کذلک» یا «کیف» به کار رفته است، اشاره به این عبرت‌آموزی از تاریخ دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از گذشته دنیا عبرت بگیرید! آیا بر کسی جاودانه گشته است؟ و آیا کسی از شریف و پست، توانگر و نیازمند، دوست و دشمن در آن باقی مانده‌اند؟ همچنین آنچه از امور دنیا نیامده و خواهد آمد، به آنچه از آن گذشته، شبیه‌تر از آب است» (قمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۴۶).

عبرت از مقوله ذکر است؛ چراکه انسان با دیدن و شنیدن چیزی، برخی از حقایق را به یاد می‌آورد. پایه و اساس فکری و فلسفی در این روش، این است که هر حادثه و رخدادی تنها متعلق به گذشته و حال نیست، بلکه همواره امکان دارد بر اساس اصل روابط علت و معلولی، با ظهور علتی مشابه همان معلول یا مشابه آن در آینده اتفاق افتد و تکرار بشود. بدین‌سان، آینه قرار دادن حال برای آینده امری است عاقلانه و به‌کارگیری چنین شیوه‌ای در زندگی راهی برای بهره‌گیری درست از پیروزی‌ها، شکست‌ها، جریانات و وقایع هست (قایمی، ۱۳۷۴، ص ۴۶۶). عبرت‌آموزی از حوادث و اتفاقات جامعه، فواید ارزنده‌ای را برای انسان‌ها به همراه خواهد داشت که به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف. انتقال تجربه: عبرت، انتقال تجارب به‌وسیله بیان حوادث و رخدادهای جامعه می‌تواند در رسانه‌های مکتوب به‌ویژه روزنامه منعکس شود. عقل انسان حکم می‌کند که لازم نیست انسان همه راه‌ها در زندگی را خودش بیازماید؛ چون به اندازه کافی فرصت ندارد. لذا یکی از کارکردهای مهم صفحه حوادث انتقال تجارب مخصوصاً تجارب تلخ است که فرد با عبرت‌گیری از آن، شخص دیگری دچار آن حادثه نمی‌شود. وقتی سرعت زیاد و انحراف به چپ یک وسیله نقلیه موجب شده یازده نفر از سرنشینان که در بار آن سوار بودند، جان خود را از دست دهند، باید از این تجربه تلخ استفاده همگانی کرد که تخطی از قوانین راهنمایی و رانندگی چنین عواقب تلخی را به همراه دارد (روزنامه جام جم ۹۷/۵/۱۵، صفحه حوادث).

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه که می‌فرماید: «لِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۷۵)؛ همانا عاقل کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند؛ می‌تواند عبرت‌آموز باشد.

ب. صیانت وجود از خطر: با ملاحظه آنچه را که در گذشته دیده یا شنیده‌ایم، می‌توان خود را از خطر سقوط و فنا نجات بخشید و راه جاودانگی را در پیش گرفت. حادثه فقط برای یک نفر نیست، بلکه باید توجه داشت وقتی حادثه اعتیاد یک جوان بیان می‌شود، نباید فقط یک داستان را بخواند جست‌وجو کند که مردم با آن سرگرم شوند، بلکه در نیت او عبرت‌آموزی جامعه باشد و مصون کردن آنها از آسیب‌هایی که برای همه می‌تواند اتفاق بیفتد.

ج. جلوگیری از سقوط در شهوات: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَّرَتْهُ التَّقْوَىٰ عَنِ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵)؛ برای آن کس که وقایع و جریانات را با دیده عبرت می‌بیند، خود نگهدارش سبب نجات از غوطه‌ور شدن در شهوات خواهد شد. وقتی تیترو روزنامه می‌نویسد: راننده سرویس مدرسه که متهم است یکی از دختران دانش‌آموز را طی چند سال، با تهدید و خوراندن قرص

ترامادول مورد تجاوز قرار داده، در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستاد (روزنامه ایران، ۱۸/آذر/۹۶، صفحهٔ حوادث)، حال وقتی اگر با پلیدی انسان به آن بنگرد، آسیب خواهد دید، ولی اگر با دید عبرت نگاه کند که بعد از چند سال، مجرم گرفتار قانون شده و آبروی خانوادگی او از بین رفته، از سقوط در شهوت جلوگیری می‌شود. البته، شهوت فقط جنسی نیست و موارد دیگری هم دارد.

پس، تاریخ در حال تکرار و گردش است؛ همواره قومی رفته و گروهی دیگر به جای آنها می‌آیند. تفاوت این حوادث و رویدادهای تاریخی، در جزئیاتشان است، اما در کلیات با یکدیگر مشابه هستند و اسباب و علل آنها هم یکسان است. پس کار عاقلانه این است که انسان با موازنه و مقایسه این پدیده‌ها و بررسی علل و اسباب آنها با یکدیگر، پیامدها و نتایج آنها را پیش‌بینی کند و تصمیم درست و متناسب را در هر مورد اتخاذ نماید و به اشتباهی که گذشتگان دچار شده‌اند، گرفتار نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامهٔ خود به حارث هم‌زمانی به این نکته اشاره دارند: «وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا، فَإِنَّ بَعْضَهَا يَشْبَهُ بَعْضًا وَ آخِرُهَا لَاحِقٌ بِأُولَئِهَا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵)؛ از (حوادث) گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت بگیر؛ چراکه بعضی از آن (حوادث) شبیه بعضی دیگر است؛ و پایانش به ابتدای آن می‌پیوندد.

اگر بیان حوادث و مطالعهٔ سرگذشت افراد و اقوام و افول و شکست تمدن‌ها و حکومت‌ها، بدون این نگاه «عبرت‌آموز» باشد، مطالعه آن بی‌اثر خواهد بود. در این صورت، تاریخ، تنها نبش قبر گذشتگان خواهد شد، نه فراگرفتن درس از گذشته و گذشتگان (محدثی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). به‌عنوان نمونه، سرنوشت جوانانی که با اعتیاد، طراوت و نشاط خود را از دست می‌دهند. زنانی که طلاق می‌گیرند و عمری دچار عوارض و عواقب آن می‌شوند، دانشجویانی که بدون مشورت، انتخاب رشته می‌کنند و عمرشان تلف می‌شود، نویسندگانی که به سبب بی‌دقتی یا شهرت‌طلبی، مطالب مشکل‌ساز مطرح می‌کنند و آبرویشان می‌رود، شهرت‌طلبانی که ادعای کرامات می‌کنند و رسوا می‌شوند، همه و همه می‌تواند نمونه‌هایی از موارد عبرت‌آموزی باشد که حادثه‌نگار با درایت و متعهد در جهت بیان درس عبرت برای جامعه، از آن استفاده کند.

۲-۳. بایسته‌های اخلاقی تجزیه و تحلیل

یکی از وظایف حادثه‌نگار، تجزیه و تحلیل کارشناسانه، دقیق و صحیح حوادث است. از این‌رو، بعد از کسب اخبار و حوادث، نباید آنها را فقط به‌عنوان یک داستان منعکس کند؛ زیرا بسیاری از آسیب‌ها که از بیان حوادث به جامعه منتقل می‌شود، به سبب عدم تجزیه و تحلیل مطالب است. در ادامه، برخی از بایسته‌های تجزیه و تحلیل بیان خواهد شد.

۱-۲-۳. تجزیه و تحلیل مناسب

معنای تحلیل عبارت است از: حلال کردن، حل کردن، گشودن و تجزیه کردن (عمید، ۱۳۴۲، ص ۳۰۴). در فرهنگ معین، در ذیل کلمه تحلیل این‌طور آمده است: ۱. حلال کردن، روا شمردن، روا داشتن؛ ۲. دو یا چند بخش کردن لفظی را و هر بخش معینی را علی‌حده گرفتن و بعضی را به حال خود واگذارن. همچنین، به‌معنای تجزیه کردن و از هم گذاشتن و به معنی تکبیر گفتن نیز آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۷۰). در تحلیل پدیده‌ها، فقط به تشریح و

تبیین پدیده مورد تحلیل اکتفا نمی‌شود، بلکه تحلیل‌گر با تتبع ذهنی تلاش می‌کند، از ظواهر پدیده به امور پنهانی آنها دست یابد و مفاهیمی را که افراد عادی قادر به درک آنها نیستند، به زبان ساده و قابل درک به دیگران منتقل کند. تجزیه نیز این‌گونه تعریف شده است: انحلال مرکبی است به عناصر تشکیل‌دهنده آن، تجزیه در هر زمینه علمی و تحقیقی وجود دارد و اهمیت و نقش آن بر حسب مواردی که به کار می‌رود و همچنین بر حسب مسئله مورد تحقیق متفاوت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۳۵۳).

پس در اصطلاح، تجزیه و تحلیل در حادثه‌نگاری را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: کشف یا شناخت حقایق و واقعیت‌های موجود درباره یک حادثه یا یک رویداد پیچیده، درک جزئیات همان حادثه پیچیده و ساده کردن آنها برای مخاطبان از طریق تجزیه آن واقعه می‌باشد. در نهایت، آگاهی بخشی درباره آن حادثه به مخاطبان در مورد عوامل یا علت‌های ایجادکننده، عناصر تشکیل‌دهنده آن پدیده و عامل‌های تأثیرگذار بر آن یا تأثیرپذیر از آن پدیده می‌باشد. هدف اصلی او، انتقال بینش و معرفت صحیح درباره آن حادثه به دیگران است.

برای اینکه مطالب به درستی یعنی به شکلی که بینش و معرفت جامعه را افزایش دهد، تجزیه و تحلیل شوند، حادثه‌نگار باید به یک مجموعه از اصول ملزم شوند و به آن پایبند باشند. در اینجا به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

الف. رعایت تقوای در عمل: حادثه‌نگاری اسلامی بدون تقوا محقق نخواهد شد. از آنجاکه روزنامه پدیده عصر مدرن و محصول فرهنگ غرب است، اگر بخواهد اسلامی شود، تقوا فاکتور اصلی آن است. تقوا اساس و زیربنای اخلاق شمرده می‌شود که در دنیای سکولار و دین‌گریز امروز زیاد از آن سخنی به میان نمی‌آید؛ اما بر اساس آموزه‌های دینی، تقوا از مواردی است که همواره باید سرلوحه انسان قرار گیرد. در قرآن کریم هم این اصل مهم را این‌طور معرفی می‌کند: تقوا عاملی است که قدرت تشخیص حق و باطل را به انسان می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا! إن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای خدا پیشه کنید، خداوند به شما قدرت تشخیص حق و باطل عطا می‌کند.

رعایت تقوای الهی در رسانه‌ها و بخصوص مطبوعات، از این جهت حائز اهمیت است که بیان حوادث، امری است که با هدف واقع‌نمایی و بیان حقایق صورت می‌گیرد و موجب می‌شود که در جامعه اثرگذار باشد. حال این اثر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. بنابراین، تنها کسی می‌تواند وظیفه بیان حوادث را در جامعه اسلامی به خوبی به انجام برساند که انگیزه‌های برای پرهیز از خطاها و لغزش‌ها داشته باشد. این فرد، تنها فرد حادثه‌نگار باتقوا است. حادثه‌نگار بی‌تقوا، چون ترس از خدا ندارد، چندان به اصول اخلاقی پایبند نخواهد بود، و در مرحله دریافت اخبار، هر مطلبی را که بخواهد، بدون قید و شرط جمع‌آوری می‌کند و در این مرحله نیز با تفسیر شخصی، به تحلیل پرداخته و بدون تحقیق کامل از صحتش مطلب را منتشر می‌کند؛ چون تقوا ندارد و نیت الهی در کار او وجود ندارد؛ نیت‌های غیرخدایی مثل شهرت، سرعت انتقال، جذابیت حادثه و تیراژ بیشتر ملاک او می‌شود.

ب. تخصص کافی: در انجام هر امری، داشتن تخصص لازم و ضروری است. حال اگر آن عمل فکری و تحلیلی

باشد، اهمیت آن دوچندان می‌شود؛ به دلیل اینکه عدم تخصص در مسئله مورد نظر، نه تنها به تحلیل مناسب کمکی نمی‌کند، بلکه گاهی اوقات بعکس، آنچه یک فرد تحلیل‌گر متعهد به دنبال آن است، واقع می‌شود. گاهی هم موجب سوءاستفاده از سوی انسان‌های مغرض می‌گردد.

در روایتی امام صادق علیه السلام، سه دسته از قضات را اهل آتش و تنها یک دسته را اهل بهشت معرفی می‌کند. قاضی‌ای که علم قضاوت ندارد و با وجود اینکه حکمش بر حق بوده اهل آتش معرفی می‌گردد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۹۶۳). شاید از روایت این‌گونه بتوان استفاده کرد که در هر عمل و فعلی که انسان می‌خواهد وارد شود، نیاز به تخصص دارد و بدون تخصص ورود به کاری که تخصص شرط آن است، پسندیده نیست. حال تجزیه و تحلیل حوادث، به دلیل اینکه کاری علمی و اثرگذار بر جامعه است، باید تحلیل‌گر با علم و تخصص کافی آن را انجام دهد.

به‌عنوان نمونه، در حادثه آتش‌سوزی پلاسکو در تهران، اگر حادثه‌نگار برای تحلیل تخصص کافی نداشته باشد، فقط حادثه را بیان می‌کند و عبور می‌کند یا تحلیل ناقص می‌کند، ولی وقتی یک جامعه‌شناس حادثه را تحلیل می‌کند، این‌گونه می‌گوید: چهار عامل در تحقق این حادثه وحشتناک قابل ذکر است: وجود نوسازی‌های سطحی و قلابی در کشور، جدی نگرفتن نوسازی بافت‌های فرسوده و اماکن قدیمی کشور، ضعف نظارت نهادی در کشور و ضعف آموزش‌های ضروری، پیشگیری برای تربیت شهروندان (جلالی‌پور، ۱۳۹۵). پس یک حادثه‌نگار فقط می‌گوید: پلاسکو در آتش سوخت و چند نفر کشته شدند، یک حادثه‌نگار دیگر بیان می‌کند که چون فرسوده بود، این‌گونه شد. اما حادثه‌نگار دارای تخصص، دلایل کافی را با تحلیل بیان می‌کند و قطعاً سومی اثرگذاری بیشتری بر جامعه خواهد داشت.

۲-۳- بی‌طرفی در تجزیه و تحلیل

یکی از مهم‌ترین مواردی که حادثه‌نگاران در تجزیه و تحلیل حوادث باید به آن توجه کنند، رعایت «بی‌طرفی» است. حادثه‌نگار، می‌بایست در تجزیه و تحلیل حادثه اصل عدالت را رعایت کند. در نهایت، بی‌طرفی به نگارش درآورد. می‌توان گفت: منظور از «بی‌طرفی»، عدم نگارشی است که در اثر آن، احتمال نفع بردن و غالب شدن شخص، گروه، حزب، قبیله و نهادی بر دیگری بدون استدلال عقلی، قانونی و شرعی بشود. البته نباید بی‌طرفی را با بی‌تفاوتی و کاهلی در دفاع از حق اشتباه کرد. لذا باید آنچه را که در جامعه حق است، هرچند موجب خدشه‌دار شدن یک جناح و یا نهاد باشد، بیان کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲).

همچنین، حادثه‌نگار در بازگو کردن حادثه باید خود را در وضعیتی احساس نماید که از هیچ چیز هراسی به دل راه ندهد و منحصرأ قانون و وجدان را حاکم نماید. استقلال رسانه، این‌گونه ایجاب می‌کند که وی تحت تأثیر اندیشه‌های حاکم بر جامعه قرار نگیرد؛ چون ملاک عدالت در روزنامه، قانون و مقررات موضوعه است، نه عرف جاری.

رعایت بی‌طرفی در برخورد و قضاوت‌های اجتماعی از نظر شارع مقدس واجب است. حادثه‌نگاری هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. این بی‌طرفی در حادثه‌نگاری، شامل مراحل دریافت، تحلیل و انتقال آن به مخاطب

می‌باشد. اما بعضی از ژورنالیست‌ها و افرادی که به طرقي با روزنامه در ارتباط می‌باشند، گاهی اوقات این اصل را رعایت نکرده و گاهی این‌گونه دیده می‌شود با آنکه یک حادثه را نقل می‌کنند، به دلیل اهداف خاص و یا تمایل قلبی به جناح و حزبی خاص، از بیان آن به دنبال اهداف سیاسی و حزبی می‌روند. درحالی‌که باید انصاف و بی‌طرفی را رعایت کنند و خداوند متعال و منفعت بیشتر مردم را در نظر بگیرند. برای مثال، وقتی حادثه برخورد دو قطار مسافری در ایستگاه امران دامغان و حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو و یا حادثه زلزله کرمانشاه و حوادثی از این قبیل اتفاق افتاد، زمانی که برخی از مطبوعات این حوادث را بیان و تحلیل می‌کردند، بجای آنکه اصل بی‌طرفی را مدنظر خود قرار دهند و پیوسته به دنبال حل مشکل و عامل اصلی وقوع حادثه باشند، از این حوادث استفاده سیاسی کرده و با آن برخورد حزبی می‌کردند. این مسئله، گاهی اوقات موجب رنجش بیشتر جامعه بخصوص آسیب‌دیدگان می‌شد. به‌عنوان نمونه، یکی از روزنامه‌ها بعد از تشییع شهدای آتش‌نشان می‌نویسد: «قالیاف، قالیاف... استعفا، استعفا» (روزنامه آرمان ۱۲/بهمن/۹۵). این به نحوی تسویه حساب سیاسی و شخصی با شهردار تهران بود و این در حالی بود که روزنامه‌های همسو نیز همکاری داشتند. خبرنگار روزنامه شرق در توییتی نوشت: «قالیاف: شخصاً از زاویه‌ای که خطر داشت وارد شدم و در دمایی حداقل ۲۰۰ درجه رفتم و آهن داغ را گرفتم و وارد شدم تا اگر کسی زنده بود، پیدا کنیم!» (خبرگزاری فارس، ۲۴/بهمن/۹۵). در این‌گونه موارد اصل بی‌طرفی رعایت نشده و به دنبال حل مشکل نبوده است.

۳-۳. بایسته‌های اخلاقی انتقال اخبار

آخرین مرحله که وظیفه حادثه‌نگار است، پس از دریافت و تحلیل حادثه، انتقال خبر مربوط به حادثه به مخاطب و جامعه می‌باشد. در این مرحله، حادثه‌نگار نمی‌تواند هرگونه که میل او بود، اخبار را انتقال دهد، بلکه بایسته اخلاقی این مرحله را رعایت نماید.

۳-۳-۱. وفای به عهد

در یک آیه شریفه، بر عمل نمودن به عهد و پیمان، چنان تأکید شده است که گویی مؤمنان نسبت به عمل بر پیمان‌های خود، مستقیماً در مقابل پروردگار مسئولند: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴)؛ و به پیمانتان وفا کنید همانا پیمان مورد سؤال پروردگار خواهد بود. مسئول در اینجا، به‌معنای «مسئول عنه» است؛ یعنی از آن بازخواست می‌شوید و این از باب حذف و ایصالی است که در کلام عرب جایز شمرده می‌شود. بعضی هم گفته‌اند: منظور این است که از خود «عهد» سؤال می‌کنند که فلانی با تو چه معامله‌ای کرد، آن دیگری چه کرد و... به نظر علامه طباطبائی این آیه شریفه مانند سایر آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت می‌کند، هم شامل عهدهای فردی و میان دو نفر است و هم شامل عهدهای اجتماعی و بین قبیله‌ای، قومی، امتی و بین‌المللی است. از نظر اسلام، اهمیت وفای به عهدهای اجتماعی و بین‌المللی، بیش از وفای به عهدهای فردی است؛ چون عدالت اجتماعی مهم‌تر و والاتر و نقض آن بلائی عمومی‌تر و فراگیرتر است (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۲۴).

هشام بن سالم می‌گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَيَخْلِفِ اللَّهَ بَدَأَ وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۶۴)؛ قولی که مؤمن به برادر دینی خود می‌دهد، نوعی نذر است که وفا کردن به آن، لازم و ضروری است؛ جز اینکه کفاره‌ای ندارد و هر کس از وعده‌ای که داده است، تخلف و سرپیچی کند، با خدا مخالفت کرده و خود را در برابر خشم پروردگارش قرار داده است. این همان چیزی است که قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که بدان عمل نمی‌کنید؟» (صف: ۲ و ۳).

همان‌گونه که از آیات و روایات برداشت می‌شود، مسئله وفای به عهد از مسائل مهم و اساسی به‌شمار می‌رود که در دین مقدس اسلام مورد کمال عنایت قرار گرفته است؛ زیرا اگر بنا باشد به این مسئله اساسی توجه نشود، زندگی مردم از هم خواهد پاشید و در اثر بی‌نظمی و هرج‌ومرج، مردم نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد خواهند شد. در نتیجه، زیربنای روابط اجتماعی سست می‌شود. از این رو، اسلام آن قدر به وفای به عهد اهمیت می‌دهد که حتی در مورد دشمن و کسی که از نظر عقیده و مسلک و غایت با انسان توافق ندارد، وفای به عهد و پیمان را لازم و واجب می‌شمرد. مطبوعات، به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و واقعیت‌ها و رویدادها، باید آینه وفادار رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. لذا یک حادثه‌نگار، نباید اخبار و اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته است را سانسور و یا قلب حقایق کرده و یا گزینشی عمل کند. همچنین، بنا بر این اصل او باید در نقل منبع خبر نیز وفای به عهد نماید.

در حادثه‌نگاری، نوعی عهد و پیمان وجود دارد. وقتی شخص مجوز این حرفه را گرفت، در حقیقت با خداوند، قانون، خودش و جامعه عهد و پیمان بسته و باید به آن وفادار باشد. این‌گونه نیست که بگویید: به هر شکل که میل شخصی‌ام هست، حادثه‌نگاری می‌کنم. باید عهدی که با خداوند متعال دارد که در انعکاس حوادث، هیچ نیتی غیر از رضای الهی و بصیرت جامعه می‌باشد، پایبند باشد و وفادار به قوانین روزنامه‌نگاری باشد. از عهدی که با مصاحبه‌شوندگان و حادثه‌دیدگان دارد، تخطی نکند. برای نمونه، وقتی حادثه‌نگار با کسی مصاحبه‌ای می‌کند، مطالب را دقیق یادداشت نماید و گفته‌های مصاحبه‌شونده را با سلیقه شخصی انتقال ندهد. همچنین، پیش از چاپ حادثه در روزنامه، نسخه نهایی برای مصاحبه‌شونده ارسال و نظر نهایی او خواسته شود و در صورت رضایت، چاپ شود. اینها همه به دلیل این است که حادثه‌نگار، عهد و پیمان بسته که از حقوق مصاحبه‌شونده دفاع کند و باید به آن وفادار باشد.

به‌عنوان نمونه، در حادثه مرگ نوزادی در هنگام زایمان در بیمارستان، مصاحبه‌شونده که از کارکنان آن بیمارستان است، این‌گونه آمده است: «کارمند بیمارستان که نخواست نامش فاش شود...» (انتخاب ۹۴/۹/۱۰). در ابتدای مصاحبه، مصاحبه‌شونده شرط مصاحبه را به شرطی می‌داند که نامی از او فاش نشود، حال حادثه‌نگار باید عهدی را که منعقد کرده به آن پایبند باشد و امنیت شغلی و خانوادگی مصاحبه‌شونده را حفظ کرده، نام او را افشا نکند و تحقیقات را به عهده خود مسئولان مربوط واگذار کند.

حق خودبه‌خود از عقول پوشیده نمی‌ماند، ولی چون با باطل آمیخته شد، می‌توان آن را کتمان نمود و از برابر دیدگان عموم مردم پنهان داشت و ذهن‌ها را از آن منصرف کرد. کتمان حقیقت، در هر جایی مذموم است. اصل اولیه این است که جامعه نسبت به حقایق آگاه باشند.

خداوند متعال در قرآن کریم، بارها در قالب آیات متعددی به اهمیت مسئله حقیقت‌گویی پرداخته است و عواقب کتمان کردن حق و آمیختن آن با باطل را متذکر می‌شود. در زیر به تعدادی از این آیات شریفه اشاره می‌شود: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲)؛ و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با آنکه می‌دانید کتمان نکنید.

همچنین، از کتمان حق نهی کرده و چنین دستور می‌دهد: «حق را مکتوم ندارید درحالی‌که شما می‌دانید و آگاهید»، هم کتمان و پنهان داشتن حق جرم و گناه است و هم آمیختن حق و باطل با یکدیگر، که هر دو از نظر نتیجه، یکسان می‌باشند؛ زیرا آمیختن حق به باطل نیز موجب گمراهی افراد می‌شود و چه بسا گمراهی بیشتری دربر داشته باشد. حق را بگوئید هرچند به زبان شما باشد و باطل را با آن درهم نیامیزید، هرچند منافع زودگذرتان به خطر بیفتد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۹).

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ» (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۳)؛ تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ است. بر اساس مضمون روایات مختلف، دروغ از بزرگترین گناهان کبیره می‌باشد. از این رو، به همگان دستور اجتناب از آن را داده شد، و مجازات شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. در بحث حادثه‌نگاری، هنگامی که مردم یک جامعه به مطبوعات اعتماد و اطمینان کرده و از آن به‌عنوان منبع به دست آوردن اطلاعات استفاده می‌کنند؛ رسالت اجتماعی آنها نیز این‌گونه ایجاب می‌کند که از کتمان حقیقت بپرهیزند. حادثه‌نگاران همچنین موظفند، در صورتی که مرتکب اشتباه و قصوری در اطلاع‌رسانی‌های خود شدند، به سرعت اشتباه خود را اصلاح نمایند. حادثه‌نگاران و سایر اصحاب رسانه‌ها، باید همواره تلاش کنند تا منابع خبری خود را خوب بشناسند. اگر در خصوص صحت خبری تردید دارند، باید آن را از منابع دیگر کنترل و تکمیل کنند و تا یقین به صدق و کذب مطلبی پیدا نکردند، آن را برای مخاطبان بازگو نکنند.

اما گاهی اوقات، اصل تعهد بیان حقیقت با مصالح نظام اسلامی تراحم پیدا می‌کند. مثلاً، در زمان رحلت بینانگذار جمهوری اسلامی، هنوز جامعه اسلامی آمادگی شنیدن این حادثه سخت را پیدا نکرده و نیاز به مقدمه‌چینی داشت، تا به‌طوری اعلان شود که مصالح نظام به خطر نیفتد. حال حادثه‌نگاری، بدون در نظر گرفتن مصالح جامعه اگر بخواهد طبق اصل بیان حقیقت فوراً بیان کند یا در جنگ، حادثه‌نگار تعداد شهدا و اسرا را که به تضعیف کشور می‌انجامد، انعکاس دهد، یا زندگی شخصی مسئولی را منعکس کند، در این‌گونه موارد اصل تعهد در بیان حقیقت را باید مقدم دانست و یا رعایت مصالح نظام اسلامی را باید لحاظ کرد؟ طبق مبانی نظری و رسالت حادثه‌نگاری اسلامی، روزنامه‌نگار باید در مواردی که اصل بیان حقیقت با اصل دیگر مانند حفظ نظام اسلامی یا حفظ آبروی مؤمن در تراحم هست، این بایسته را مقدم دارد، هرچند اصل بیان حقیقت را هم در زمان مقتضی خود انجام دهد (فولادی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰).

۳-۳-۳. پایبندی به منافع عمومی

یکی دیگر از بایسته‌های اخلاقی، پایبندی و محترم شمردن منافع عمومی جامعه اسلامی می‌باشد. منافع عمومی، هر آن چیزی است که سود و فایده آن برای همه یا اکثر افراد جامعه باشد. به عبارت دیگر، هرگونه فعالیتی که با نیت تأمین و ارتقای امنیت اجتماعی، آسایش و رفاه جامعه، حفظ محیط زیست، توجه به قشر مستضعف و کم کردن فاصله طبقاتی، اقامه احکام دینی و اخلاقی، توجه به بهداشت و آموزش عمومی، پیشرفت کشور و... منجر شود، از مصادیق منافع عمومی شمرده خواهد شد (همان، ص ۲۱۷).

بعضی از مکاتب اخلاقی، اصل را در منافع و مقاصد فردی می‌گذارند. برخی از مکاتب نیز بنا را فقط بر منافع عمومی می‌گذارند. اما مکتب اخلاقی اسلام هر دو را باهم در نظر می‌گیرد. از یک سو، احکام مربوط بر تسلط فرد بر اموالش را بیان می‌کند و تجاوز به حقوق فردی را جایز نمی‌داند. از سوی دیگر، برای منافع و مصالح عمومی تأکید فوق‌العاده‌ای قائل است و با ناقضان آن برخورد شدید دارد (مصباح، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

گروهی از جامعه‌شناسان معتقدند: در شرایط عادی جامعه، تراحم اساسی میان منافع شخصی و منافع عمومی وجود ندارد. هر یک در جای خودش رعایت می‌شود. اما وقتی که رقابت بین این دو به وجود آمد، افراد برای دستیابی به منافع شخصی، مصالح و منافع عمومی را نادیده می‌گیرند. گروه دیگر بر این باورند که در حالت عادی هم بعضی از افراد برای رسیدن به منافع شخصی، به حشمان قانع نیستند و از محدوده خود تجاوز کرده و منافع عمومی را پایمال می‌کنند (مؤیدفر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۱).

در عرصه حادثه‌نگاری هم یکی از بایسته‌های مهم، رعایت منافع عمومی جامعه است. وقتی حادثه‌نگار، به دنبال تهیه گزارش و اخبار و سپس انتقال آن می‌رود، باید اصل و مبنای او حفظ نظام اسلامی باشد؛ زیرا باید بداند که اگر امنیت جامعه از بین برود، او به راحتی نمی‌تواند آن گونه که دوست دارد، قلم بزند. از این رو، جدای از مصالح فردی و حزبی خود، باید ابتدا منافع عمومی جامعه اسلامی را مدنظر قرار دهد.

به همین دلیل، اسلام تأکید دارد که تفاوت حزب، جناح، رنگ، زبان و قومیت مایه امتیاز و برتری نیست، بلکه نشانه‌های قدرت الهی است. به همین جهت، مردم را به توجه به نقاط مشترک با یکدیگر فرا می‌خواند (آل عمران: ۶۴).

یکی از مهم‌ترین مصادیق منافع عمومی که با بیان حوادث در ارتباط است، تخریب محیط زیست می‌باشد. محیط زیست از هزاران سال قبل به دست ما رسیده و باید نسبت به تخریب و از بین رفتن آن به‌عنوان یک منفعت عمومی، بلکه منفعت جهانی حساس بوده و حادثه‌نگاران آن را یک حادثه بزرگ و مهم تلقی کرده و با تیتروهای برجسته، جامعه را نسبت به آن حساس کنند. برای مثال، ۱۴ میلیون نفر در معرض خطر ریزگردهای نمکی دریاچه ارومیه قرار دارند، وضعیت دریاچه ارومیه حالا آن قدر بحرانی شده که مسئولان محلی هم نسبت به پیامدهای خشک شدن این دریاچه هشدار می‌دهند (روزنامه همشهری، ۱/دی/۱۳۹۶) مهم. انعکاس این گونه حوادث، نفع آن برای همه جامعه هست و پیگیری مستمر آن وظیفه حادثه‌نگاران می‌باشد.

حال اگر برای حادثه‌نگار تزاومی میان منافع شخصی و منافع عمومی به وجود آمد، چگونه باید عمل کند؟ آنچه از مجموع مفاهیم قرآنی و اسلامی به دست می‌آید، این است که حفظ نظام و منافع عمومی بر منافع شخصی و گروه خاص مقدم بوده و نباید خدش‌های به آن وارد شود. از نگاه اسلام، جامعه متعلق به تک‌تک افراد است. به همین دلیل، اسلام توجه ویژه‌ای به جامعه دارد و جامعه را به کشتی‌ای تشبیه می‌کند که افراد، همگی مسافران بوده و در دریا در حال حرکت هستند، حال اگر یک نفر به کشتی آسیب وارد کند، همه متضرر می‌شوند و حق همه ضایع می‌شود و سرنوشت همه به یکدیگر گره خورده است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۹). برای مثال، اگر در زمان نیاز کشور به جنس خاصی، شخص محتکری را بازداشت و اجناس او را مصادره کنند، حال حادثه‌نگار باید آن را افشا کند تا سایر محتکران متوجه شوند. ولی به جهت اینکه شخص محتکر بازداشت شده از نزدیکان اوست، برای حادثه‌نگار تزاوم بین منافع شخصی و عمومی به وجود آمده که باید منافع عمومی را مقدم قرار دهد.

از این جهت، اسلام به منافع عمومی و آنچه ضامن حفظ اجتماع است، اهتمام دارد و هنگام تزاوم منافع عمومی با منافع شخصی، منافع کل جامعه را ترجیح می‌دهد. ولی آنچه در غرب اتفاق می‌افتد، بعکس است و اصل را بر فردگرایی می‌گذارند و شخص به هر شکل که میل او بود، در جامعه می‌تواند زندگی کند؛ هر چند عمل او با منافع جامعه در تضاد باشد، هیچ اشکالی ندارد او به دنبال زندگی شخصی خودش است. مگر اینکه موجب هرج‌ومرج شود که در اینجا اجازه داده نمی‌شود به دنبال منافع فردی‌اش برود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۶۹). پس حادثه‌نگاران در صفحه حوادث، لازم است اصل احترام به منافع عمومی را رعایت و در تزاومات هم آن را مقدم بدانند.

۳-۳-۴. رازداری

پنهان نمودن اسرار و رازداری، از بارزترین خصلت‌های خداوند متعال بوده و از صفات مؤمنان و نشانه‌ای برای عقل و شعور و معرفت و کمال هر انسانی است. راز و سر می‌تواند شخصی، مربوط به دیگران و یا راز حکومتی و نظامی (در نظام اسلامی) باشد.

رازداری، نشانه‌ی امین بودن و وفاداری یک شخص است و کسی که این اخلاق نیکو و پسندیده را دارا باشد، جایگاه ویژه‌ای در میان مردم خواهد داشت و با حفظ موقعیت خود، آبرو و نوامیس افراد دیگر را هم محترم می‌داند. در روایات اسلامی، پنهان نگه‌داشتن اسرار دیگران و رازداری، نوعی حفظ امانت شمرده شده و فاش کردن مطلب دیگران، خیانت در این امانت می‌باشد. امام صادق علیه السلام در روایتی قابل تأمل این‌گونه می‌فرماید: «وَعَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ قَلْوًا أَنْ قَاتِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ائْتَمَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدِيْتَهَا إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۳۳)؛ تقوای الهی پیشه کنید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است، بازگردانید؛ زیرا حتی اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بسپرد، هر آینه آن را به او برمی‌گردانم. این حدیث با ارزش، اوج اهمیت امانتداری را بیان می‌کند که انسان حتی در امانت دشمنان خود نیز نباید خیانت روا کند. حال این امانت ابزار و مال باشد، یا حرف و سخن فاش نمودن راز دیگران. در بسیاری از موارد، این اعمال موجب دامن زدن به مفاسد

اجتماعی و کینه و عداوت می‌شود. کسی که نتواند رازدار و امانتدار مردم باشد، گرفتار یک رذیله اخلاقی و معاشرتی خواهد شد و باید در رفع آن، تلاش کند.

افشای راز افراد در جامعه موجب می‌شود از یک سو بهره‌وری خود در جامعه را از دست دهند و جامعه از این اتفاق ضرر می‌کند. از سوی دیگر، با به هم خوردن تعادل روحی و روانی خود آن فرد آثار سوء اخلاقی و رفتاری بر جامعه می‌گذارد که یکی از کمترین آنها، از بین رفتن حس همزیستی اجتماعی است. از این رو، آموزه‌های اسلامی بسیار بر رازداری تأکید دارند (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۲۴).

اهالی رسانه، همان‌طور که برای دریافت اخبار آزادی دارند، ولی اسرار دیگران را باید حفظ کرده و از افشای اطلاعات، اخبار، تصاویر، گزارش‌ها و... که به صورت محرمانه در اختیار آنها قرار داده می‌شود، جز در مواردی که لازم به افشای آن است و یا با حکم دادگاه مشخص می‌شوند، خودداری نمایند. وقتی یک حادثه‌نگار، به دنبال اطلاعات یک حادثه قضایی است و با اجازه قاضی اطلاعات شخصی، شماره تلفن، آدرس، اطلاعات پرونده متهم و یا غیرمتهم در اختیار او قرار داده می‌شوند، تصور نکنند که هرگونه می‌تواند از آن استفاده کند؛ بلکه او رازدار جامعه می‌باشد و فقط به اندازه‌ای که در بیان حادثه لازم است، از آن استفاده کند.

اطلاعاتی که مربوط به حفظ نظام و کشور است، هم جزو اسرار است و نباید آنها را فاش کرد و در اختیار هر کسی قرار داد. رازدارانی که در حکومت اسلامی، اسرار نظام را در سینه خود حفظ می‌کنند، از جایگاه و ارزش والایی برخوردارند. تا آنجایی که حافظان اسرار، جایگاهی همچون مجاهدان در راه خداوند دارند. همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «پنهان نگه‌داشتن اسرار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی جهاد در راه خدا است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴).

همان‌طور که گفته شد، یکی از انواع رازداری، حفظ اسرار محرمانه حکومت اسلامی است. به‌عنوان نمونه، در زمان جنگ و دفاع از کشور اسلامی، حادثه‌نگار وقتی در پی دریافت حوادث جنگ است، خواسته یا ناخواسته مقداری از اطلاعاتی که برای دشمن مفید است، به دست می‌آورد. اما این اطلاعات باید برای ادامه جنگ افشا نشود تا بر دشمن پوشیده بماند و او غافلگیر گردد و فرصتی برای عملیات و تدارکات نداشته باشد. حادثه‌نگار به دنبال دریافت حوادث جنگ بوده، ولی حال باید بداند که باید رازدار باشد و اگر افشای اسرار نظامی و سیاسی کشور موجب شود که حکومت اسلامی دچار خطر شده، یا خون بی‌گناهان ریخته شود و زندگی مردم دچار آسیب شود، او مسئول است. در این صورت، «رازداری» از اهم وظایف و افشای اسرار، از زشت‌ترین رذائل اخلاقی خواهد بود و ترک رازداری، کیفر سنگینی دارد (عاشوری، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

در پایان این سه مرحله، این نکته مهم قابل ذکر است: گاهی اوقات حادثه‌نگار در یکی از این مراحل مرتکب اشتباه (عمداً یا سهواً) می‌شود، حال طبق دستورات شرع مقدس و عقل سلیم و قوانین بشری باید جبران مافات کند. به جهت تزییع حقوق مردم و جامعه حق الناس بر گردن او خواهد بود و باید مطلب صحیح را در مباحث آینده خود بیان کرده و به اشتباهش اعتراف نماید تا بدین‌وسیله هم رضایت طرف مقابل را به دست بیاورد و هم اطلاع‌رسانی صحیح را که حق جامعه است، انجام داده باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. بر اساس مبانی اسلامی که متخذ از عقل و نقل است هر حادثه‌نگاری باید به رعایت مواردی پایبند باشد. این موارد، «بایسته‌های اخلاقی حادثه‌نگاری» نام دارند. از آنجاکه رسالت حادثه‌نگار در سه مرحله دریافت، تجزیه و تحلیل و انتقال اخبار انجام می‌گیرید، می‌توان برای هر یک از این مراحل، بایسته‌ها و وظایفی را برشمرد. بنابراین، بایسته‌ها را می‌توان به بایسته‌های مرحله دریافت، تجزیه و تحلیل و انعکاس و انتقال حوادث تقسیم نمود.
۲. بایسته‌های مرحله دریافت، سودمند بودن خبر حادثه برای جامعه است. از این رو، گزارش حوادثی که فایده‌ای برای جامعه ندارد، لزومی ندارد که حادثه‌نگار در پی آن برود. بایسته دیگر، عبرت‌آموز بودن حادثه برای جامعه می‌باشد تا آنها به حوادث تلخ که دیگران گرفتار شده‌اند، مبتلا نشوند.
۳. در مرحله تجزیه و تحلیل، تحلیل درست و بی‌طرفی دارای اهمیت است. تجزیه و تحلیل حوادث باید به درستی و به صورت کامل همراه با بینش اسلامی باشد تا جامعه بتواند از آنها استفاده بهتری ببرد. حادثه‌نگار همچنین باید با رعایت بی‌طرفی حادثه را تحلیل کند و انگیزه‌های شخصی را دخالت ندهد.
۴. در مرحله انعکاس اخبار نیز باید بایسته‌های اخلاقی را رعایت کند. اولین بایسته، وفای به عهد است. دین اسلام تأکید فراوانی بر پایبندی به عهد و پیمان بین مردم دارد. در حادثه‌نگاری نوعی عهد و پیمان وجود دارد. حادثه‌نگار عهد با خداوند، قانون، خودش و جامعه دارد و باید به آن وفادار باشد. دومین بایسته این مرحله، تعهد در بیان حقیقت است. حق مردم در دستیابی به حقیقت اخبار و حوادث باید محترم شمرده شود. اصل دیگر، پایبندی به منافع عمومی و ترجیح آن بر منافع شخصی است. اسلام به منافع عمومی و آنچه ضامن حفظ اجتماع است، اهتمام دارد و هنگام تزاخم منافع عمومی با منافع شخصی، منافع عموم جامعه را ترجیح می‌دهد. رازداری، بایسته دیگر است. حادثه‌نگاران، همان‌طور که برای دریافت اخبار حوادث آزادی دارند، ولی اسرار دیگران را باید حفظ کرده و از افشای آن خودداری کنند. راز و سر نیز گاهی شخصی، گاهی راز دیگران و گاهی راز حکومتی و نظامی (در نظام اسلامی) است.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه محمد دشتی، تهران، نشر عدالت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۰، شرح غررالحکم و دررالکلم، شارح: جمال‌الدین خوانساری. تهران، دانشگاه تهران.
- جامی رودی، عبدالنفور، ۱۳۹۱، «وحدت در آیات و روایات و تأثیر آن در ادبیات»، ویژه‌نامه نقطه برگار، دوره اول، ص ۱۵۲-۱۶۷.
- حمیدرضا جلائی پور، ۹۵/۱۱/۹. تحلیل جامعه‌شناسانه از حادثه پلاسکو، <https://www.isna.ir/news/95110906094>.
- دایرةالمعارف ایمنی و بهداشت کار، ۱۳۷۹، ترجمه و تدوین: معاونت تنظیم روابط کار و امور اجتماعی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۷، میزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عاشوری لنگرودی، حسن، ۱۳۸۷، «رازداری و رسانه»، فرهنگ کوثر، ش ۷۶، ص ۳۳-۳۹.
- عمید، حسن، ۱۳۹۲، فرهنگ لغت فارسی، تهران، امیرکبیر.
- فولادی، محمد، ۱۳۸۷، اخلاق روزنامه‌نگاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۳، اصول اخلاقی حاکم بر رسانه از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قائمی، امیر، ۱۳۷۴، مجموعه مقالات کنفرانس بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قمی، عباس، ۱۳۹۳، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ترجمه هادی صلواتی، قم، نوید اسلام.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، اثبات دلیل اثبات، تهران، نشر میزان.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، ترجمه هاشم رسولی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، بحارالانوار، تحقیق: سیدجواد علوی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد، ۱۳۸۸، «عبرت‌شناسی»، معارف اسلامی، ش ۷۶، ص ۱۵-۲۴.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۸۳، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مصباح، مجتبی، ۱۳۷۹، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر بهزاد.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤیدفر، سعید، ۱۳۷۹، بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران، باز.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۶، جامع السعادات، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتویی، تهران، نشر حکمت.
- خبرگزاری فارس، ۹۵/۱۱/۲۴
- روزنامه آرمان ۹۵/۱۱/۱۲
- روزنامه ایران، ۹۶/۹/۸
- روزنامه جام‌جم، ۹۷/۵/۱۵
- روزنامه همشهری، ۹۶/۱۰/۱

تأثیر وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس

mohamad_khaledian22@yahoo.com

محمد خالدیان / مربی گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

میناسادات رحیمی / دانشجوی دکتری مشاوره پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران

علی محمدپناه / دانشجوی دکتری علوم سیاسی مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

چکیده

هدف این پژوهش، تأثیر وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی، سلامت روان و عزت نفس در دانشجویان است. این پژوهش، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر عضو بسیج دانشجویی دانشگاه پیام‌نور واحد قروه در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود. حجم نمونه، ۳۰ نفر از دانشجویان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش، ۹ جلسه وصیت‌نامه شهدای استان کردستان به صورت گروهی بر اساس کتاب وصیت‌نامه کامل شهدا را دریافت کردند، اما گروه کنترل در کلاس‌ها و جلسات حضور نداشتند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه ۲۴ سؤالی هوش معنوی کینگ و پرسش‌نامه ۵۸ سؤالی عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات هوش معنوی و عزت نفس در پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه کنترل بالاتر است. یافته‌ها حاکی از این است که وصایای شهدا بر بهبود و افزایش هوش معنوی و عزت نفس دانشجویان مؤثر می‌باشد. همچنین، وصایای شهدا می‌تواند در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و فداکاری مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: وصایای شهدا، فرهنگ ایثار و شهادت، هوش معنوی، عزت نفس.

ایثار و شهادت، به‌عنوان یک فرهنگ متعالی در زمره‌ی عالی‌ترین مفاهیم الهی و نتیجه‌ی والاترین ارزش‌هایی است که یک انسان متعهد می‌تواند به آن مقام دست یابد. این مفاهیم اثرگذار و حرکت‌آفرین، می‌توانند فضای یک جامعه را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار داده، والاترین برکات را به همراه داشته باشند. حقیقت این است که اگر رشادت‌ها و خدمات شهدا و ایثارگران به خوبی برای مردم تبیین گردد و به قالب‌های کلیشه‌ای و بیان‌های ژورنالیستی محدود نگردد، بیشترین و بهترین نتایج را به همراه خواهد داشت. تقویت باورهای دینی و ملی که امروزه جزء اصلی‌ترین مسائل اعتقادی و فرهنگی به حساب می‌آید و در شمار مهم‌ترین وظایف ماست، از جمله مواردی است که با معرفی و تعمیق شخصیت، منزلت، عقاید و آرمان‌های ناب آن بزرگواران در سطحی فراگیر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از این رو، همه‌ما مدیون شهداء و ایثارگران بوده و یکی از روش‌هایی که می‌توان ادای دین نمود، شناساندن همه‌جانبه‌ی آنان بر نسلی است که شهداء و مسیری را که در آن ممارست داشته‌اند، به خوبی درک نکرده‌اند.

بنابراین، نباید فراموش کرد که فرهنگ ایثار و شهادت دربردارنده‌ی آثار و برکات بزرگی است که به شکل مستقیم و غیرمستقیم جامعه‌ی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چرا که ایثار و شهادت، یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگ اسلامی است که جلوه‌های اعجاب‌انگیز آن در طول سال‌های انقلاب و دفاع مقدس به روشنی آشکار گردید و شگرف‌ترین و عظیم‌ترین صحنه‌های از خودگذشتگی انسان‌ها در آن تبلور یافت. اما مسئله‌ی اساسی در این زمینه، این است که چنین گنج گران‌بهایی را نمی‌توان با نگرش‌های سطحی و روش‌های صوری کارآمد ساخت و آن را انتقال و یا اشاعه داد. در نتیجه، ضرورت توجه به فرهنگ ایثار و شهادت و ترویج آن در جامعه و مشاهده‌ی آثار و کارکردهای مثبت آن، در گرو داشتن باور عمیق و اندیشه‌ی بلند است که باید چنین تفکری را با سازوکارهای مناسب به صورت عمیق در بین مردم نهادینه ساخت. روشن است که شناسایی راه‌ها و اتخاذ شیوه‌هایی که بتواند این فرهنگ را به بهترین شکل ممکن در جامعه مطرح سازد، طبعاً نیازمند بررسی دقیق، همه‌جانبه و مستمر است و یقیناً دست‌اندرکاران این حوزه، باید به این مسئله توجه جدی داشته باشند؛ چرا که عمل به این وظیفه خطیر در نهایت منجر به بیداری و آگاهی جامعه، نسبت به مقوله‌ی ایثار و شهادت خواهد شد و حتی با توجه به فرهنگ غنی اسلامی ایرانی و اعتقاد راسخ مردم به توصیه‌ها و وصایای شهدا و تأثیر این وصایا بر مؤلفه‌های مثبت و همه‌جانبه‌ی زندگی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقا سطح زندگی افراد ایفا کند.

مؤثرترین راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه‌ی فرهنگ متعالی، ایثار و شهادت، با اندیشه‌ها، الگوهای اخلاقی و رفتاری منبعث از قرآن، روایات و احادیث، نیازمند شرایط و فضای مناسبی است تا مورد تأمل و شناخت صحیح همه‌ی اقشار مردم در سطوح مختلف جامعه قرار گیرد و با اقبال حداکثری روبرو گردد.

جنگ عراق علیه ایران، مدتی کوتاه پس از انقلاب بر نظام اسلامی ایران تحمیل شد. نظامی که مبتنی بر اسلام بود. بنابراین، تفکرات و ایدئولوژی اسلامی، وجه غالب آن بود و احساسات و باورهای رزمندگان ایرانی تحت تأثیر این ایدئولوژی قرار داشت. منظور از «ایدئولوژی»، دسته‌ای از عقاید عمومی است که از لحاظ اجتماعی بین

گروهی از مردم وجود دارد؛ گروه‌هایی که اعضای آنها اهداف مشترکی دارند، یا با مسائل مشترکی روبرو می‌شوند و مجموعه عقایدی را به اشتراک می‌گذارند که معرف عضویت آنان در گروه و ارزشی است که بر آن اساس قضاوت و رفتار می‌کنند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵).

وصایای شهدا در بین سایر اسناد فرهنگی ایثارگران، از جایگاه خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۳۲).

در این میان کم نیستند کسانی که در بوته امتحان کردستان خوش درخشیدند و در میان برگ‌های تاریخ خونرنگ آن سال‌ها جاودانه شدند. نمونه‌هایی از انسان‌های وارسته به حق پیوسته آن دوره، می‌توان به محمود کاوه، مصطفی چمران، محمد بروجردی، احمد متوسلیان، محمدابراهیم همت، حسن آبشناسان، ناصر کاظمی، صیاد شیرازی و... اشاره کرد، به علاوه همه مردان و زنان آن دیار، پامردی و پیراستگی و پویایی آنان در حفظ ناموس وطن، مثال زنی است. از تعداد ۵۰۶۱ شهید استان کردستان، کم نیستند کسانی که مجال نوشتن وصیت‌نامه نیافتند. به همین دلیل، برای حفظ دست‌نوشته‌های باقیمانده از شهدا، همتی عالی از خدا طلبیدیم و قلمی امانتدار تا در ثبت و ضبط آنچه به مثابه سند تاریخی برای آیندگان خواهد ماند، خللی نیفتد (ر.ک: خادمی خالدی، ۱۳۹۰).

وصیت‌نامه شهدا را باید توصیه‌نامه‌ها و نصیحت‌هایی دانست که مبتنی بر گفتمان غالبی است که در مقطع پس از انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد و درون‌مایه وصایایی که از شهدا و رزمندگان به دست ما رسیده است، انعکاس همین گفتمان است. اهتمام و ارج نهادن به وصایای شهدا از آموزه‌ها و توصیه‌های دین مبین اسلام می‌باشد. به طوری که در قرآن کریم در آیه ۱۸۰ سوره مبارکه بقره، به صراحت بر آن سفارش شده است. همچنین، در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن توصیه شده است. آن حضرت می‌فرماید: «سزوار نیست مرد مسلمانی شبی را سحر کند، مگر اینکه وصیتش زیر سرش باشد» (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۶ق). لازم به یادآوری است که وصیت‌نامه شهدا غالباً به مواضع شهید در باب مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی اشاره دارد.

ویژگی مشترک وصیت‌نامه‌های شهدای هشت سال دفاع مقدس که به‌مثابه مرام‌نامه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آیند، عبارتند از:

- ذکر خدا و مرگ آگاهی؛

- آثار ذکر و حضور و توجه به خداوند متعال (اعراف: ۲۰۱)؛

- دعا و نیایش؛

- توجه به مسائل اخلاقی و ارزشی مانند تهذیب نفس، امر به معروف و نهی از منکر، دل‌نستن به دنیا و ...؛

- شهادت‌طلبی (کاموس، ۱۳۸۴).

موضوعات مطرح در وصایای شهدا

نماز و عبادت الهی، توصیه به انجام فرایض دینی، نکوهش دنیاگرایی، اخلاص و تقوا، توبه، آزادی، حفظ حجاب اسلامی، توصیه به تحصیل علم و دانش و دفاع از سنگرهای فضیلت، دعوت بازماندگان به صبر و تداوم راه شهدا، طلب حلالیت از خانواده، توصیه به همسر و فرزندان، سوءاستفاده نکردن از نام شهید، اطاعت از امر امام، تأکید بر تداوم راه سیدالشهدا و شهدا و پیشتیبانی از جبهه‌ها، توصیه به دفاع از اسلام و قرآن و پشتیبانی از ولایت فقیه، دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن.

از این رو، بی‌شک مفاهیم و کلیدواژه‌های تولید شده از وصایا و زندگی‌نامه شهدا، در دانشگاه‌ها راهنمای عمل در نوع و نحوه مدیریت دانشگاه‌هاست. بر اساس خطمشی نظام مقدس اسلامی می‌توان گفت: یکی از راه‌هایی که می‌توان از فضای دانشگاه‌ها، به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد و از دانشگاه می‌توان به‌عنوان یک مکان مقدس انسان‌ساز استفاده کرد. وصایای شهدا است که در راستای ارتقا و توانمندسازی دانشجویان در زمینه‌های مختلف استفاده می‌شود. بنابراین، عمق اندیشه این وصایا در مسئله دانشگاه‌ها باید فصل‌الخطاب استادان و مدیران باشد. مقام معظم رهبری سال‌هاست که دغدغه فرهنگی، آموزشی را مطالبه کرده‌اند. ایشان زمانی که مباحث سیاسی اقتصادی مطرح است، می‌فرمایند: «من به اندازه مسائل فرهنگی نگران نیستم. من به خاطر نگرانی‌های فرهنگی شب‌ها خواب به چشم نمی‌آید، بلند می‌شوم و نگران هستم» (الوندی و سلیمانی، ۱۳۹۵). پس می‌توان گفت: مسائل فرهنگی و آموزشی تا حدودی همسو و در کنار هم موجب ارتقا جامعه می‌شوند و نیز توانمندسازی و ارتقای دانشجویان در زمینه‌های گوناگون، موجب مطلوبیت و خیر و مصلحت جامعه می‌شود؛ اینها جملگی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری می‌باشد.

برخوردار بودن از هوش معنوی و عزت نفس، افراد را قادر می‌سازد تا علاوه بر مقابله بهتر در موقعیت‌های استرس‌زا، کمتر دچار تنش شده، در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند. به دیدگاه روشنی در مورد خود برسند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه قرار بگیرند. همچنین امیدوارانه و خوش‌بینانه به مسائل بنگرند. از این رو، سرمایه‌گذاری در مورد دانشجویان به‌عنوان منابع انسانی و در راستای تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی از طریق غنی‌سازی ظرفیت‌های روانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

هوش معنوی

یک جنبه از هوش، «هوش معنوی» است که کاملاً منحصر به فرد و انسانی است. در تمایز بین معنویت و هوش معنوی باید گفت: معنویت بیشتر یک مفهوم تجربه‌ای است؛ اما هوش معنوی از سه بخش جدایی‌ناپذیر: حسی، عقلی و تأملی تشکیل شده است. همچنین، معنویت به جست‌وجو، تجربه، تقدس و روحانیت، جست‌وجوی معنی نهایی، هوشیاری بالاتر و بعد ماورایی وجود می‌پردازد. درحالی‌که هوش معنوی برای پیش‌بینی عملکرد و سازگاری به توانایی‌های به‌دست‌آمده از این موضوعات اشاره دارد (کشاورزی و یوسفی، ۱۳۹۱). زوهار و مارشال (۲۰۰۰)، هوش معنوی را با ترکیب مفاهیم روان‌شناختی، فلسفی و مذهبی در سال ۲۰۰۰ ارائه دادند. از نظر آنان هوش

معنوی، هوشی است که می‌تواند موقعیت و فعالیت ما را گسترده‌تر و غنی‌تر سازد. یعنی هوشی که تعیین می‌کند یک فعالیت یا یک مسیر زندگی، بیش از فعالیت یا مسیر دیگر معنادار است. هوش معنوی از ترکیب توانایی‌ها و علایق معنوی، خصیصه‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب‌شناختی به دست می‌آید (ناسل، ۲۰۰۴). مهم‌ترین کاربردهای هوش معنوی عبارتند از: ۱. ایجاد آرامش خاطر، به‌گونه‌ای که اثربخشی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ۲. ایجاد تفاهم بین افراد؛ ۳. مدیریت تغییرات و از میان برداشتن موانع سر راه. آگاهی از خود، شایستگی کلیدی هوش معنوی است. رشد هوش معنوی، به‌معنای آگاهی عمیق‌تر از خود به‌عنوان موجودی غیرمادی است. در واقع، منبعی از استعدادها و غیرعینی است که تاکنون کشف نشده است. هنگامی که هوشیاری فرد افزایش یابد و مورد استفاده قرار می‌گیرد، درک او موجب احساس امنیت می‌شود. بدین ترتیب، عملکرد او در محیط کار بهبود می‌یابد (حداددینا و جوکار، ۱۳۹۵).

عزت نفس

عزت نفس، عبارت است از: میزان ارزشی که اطلاعات درون خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی‌هایی که در او هست، سرچشمه می‌گیرد. خودپنداره، برای متخصصان بهداشت روانی نیز اهمیت خاصی دارد؛ زیرا پندار فرد از شخصیت خود تا حد زیادی تصور او را راجع به محیطش تعیین می‌کند. این دو عامل نوع رفتارهای او را طرح‌ریزی می‌کند (تمنایی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹). عزت نفس، رضایت فرد از خود و احساس ارزشمندی اوست (بندورا و آدامز، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، منظور از «عزت نفس» این است که افراد درباره خود چگونه فکر می‌کنند؟ چقدر خود را دوست دارند، و از عملکردشان راضی هستند، به‌ویژه احساس آنان از نظر اجتماعی و تحصیلی و خانوادگی چگونه است؟ میزان هماهنگی و نزدیکی خود ایدئال و خود واقعی آنان چقدر است (حسینی و همکاران، ۲۰۰۷). احساسات و عقاید درباره توانایی‌ها، شایستگی‌ها و ویژگی‌های خود، عزت نفس را تعیین می‌کنند. به عقیده لاپورت و سویگنی، عزت نفس خوب داشتن یعنی از توانایی‌ها و ضعف‌های خود آگاهی داشتن و خود را با آنچه شخصی‌تر و با ارزش‌تر است، پذیرفتن. منظور این است که مسئولیت‌های خود را بر عهده گرفتن، خود را تأیید کردن، به نیازهای خود پاسخ دادن، هدف‌هایی داشتن، و برای نیل به آنها، راه‌هایی برگزیدن. عزت نفس خوب، یکپارچگی شخصی و توجه به دیگران را به همراه می‌آورد (رک: وندرزنن، ۱۳۸۷).

پیشینه

دانشگاه‌ها نه‌تنها باید مسئولیت آموزش و تربیت رسمی دانشجویان را بپذیرند، بلکه باید در راستای رسالت خود در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین، برای رشد و تعالی و کمال نیز کوشا باشند. یادگیرندگان را نباید فقط برای کسب نمرات خوب در محیط‌های آموزشی ترغیب کرد، بلکه باید برای یادگیری فرهنگ ایثار و شهادت و از خودگذشتگی، اخلاص و رسیدن به زندگی خوب سرشار از معنویات نیز آنان را یاری می‌رساند.

به نظر می‌رسد، وصیت‌نامه شهدا دارای لایه‌های درونی و پنهانی است که باید بر اساس یک روش و برنامه علمی مطالعه و بررسی شود. به همین دلیل، موضوع این پژوهش، وصیت‌نامه شهدا و تأثیر آن بر هوش معنوی و عزت نفس می‌باشد تا در صورت به دست آمدن نتایج مورد نظر، بتوان در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت گام مثبت و مؤثری برداشت و بتوان این فرهنگ را به شکل هوشمندانه‌ای در جامعه نهادینه کرد و زمینه لازم را فراهم کرد تا در کنار ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، زمینه رشد و تعالی رفتارها و مؤلفه‌های اکتسابی از جمله هوش معنوی، عزت نفس و سلامت روان و... از طریق وصایای شهدا در جامعه نهادینه شود.

در نتیجه هدف این پژوهش، تأثیر زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان می‌باشد و این پژوهش برای پاسخگویی به این سؤال به اجرا درآمد که آیا زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان مؤثر می‌باشد؟ بنا بر آنچه بیان شد، این پژوهش درصدد است طی فرایندی علمی روی دو گروه گواه و آزمون، با استفاده از زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی

روش تحقیق، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام‌نور واحد قروه می‌باشد. در این پژوهش، حجم نمونه ۳۰ نفر از دانشجویان، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. آنان به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش، شامل ۱۵ نفر از دانشجویانی بودند که ۹ جلسه یک ساعته در کلاس‌های مربوط به قرائت وصایای شهدا، بر اساس کتاب *وصیت‌نامه کامل شهید* به تصحیح و تنظیم نسرین خادمی خالیدی، شرکت کرده‌اند. اما گروه کنترل در این کلاس‌ها شرکت نداشتند. لازم به یادآوری است در هر جلسه وصیت دو شهید گرانقدر قرائت می‌گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ، و عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره)، با استفاده از نرم‌افزار SPSS_20 استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ: یک مقیاس خودسنجی است که فرم اصلی آن، شامل ۸۳ ماده می‌باشد. در این پژوهش، از فرم کوتاه ۲۴ ماده‌ای آن استفاده شد. این مقیاس، شامل چهار بُعد با عنوان‌های گسترش آگاهی، تفکر وجودی انتقادی، آگاهی متعالی و معناسازی شخصی می‌باشد که به هر ماده در یک مقیاس درجه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره داده می‌شود. نمره کلی مقیاس از مجموع نمره‌های به‌دست‌آمده از ماده‌ها حاصل می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس، توسط توسط حسین چاری و ذاکری (۱۳۸۹) و کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱) مطلوب گزارش شده است.

پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت: شامل ۵۸ ماده است که به صورت بلی، خیر به آنها پاسخ داده می شود. مواد هر یک از زیرمقیاس ها عبارتند از: مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی ۸ ماده، مقیاس خانوادگی ۸ ماده، مقیاس تحصیلی - شغلی ۸ ماده، و مقیاس دروغ ۸ ماده، نمرات زیرمقیاس ها و همچنین نمره های کلی، امکان مشخص کردن زمینه ای را که در آن افراد واجد تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می سازد (استادیان و همکاران، ۱۳۸۸). کوپر اسمیت و همکاران (۱۹۹۰)، ضرایب بازآزمایی این پرسش نامه را در دو نوبت، پس از پنج هفته ۰/۸۸ و پس از ۳ سال ۰/۷۰ گزارش کرده اند (حسنوند و خالدیان، ۲۰۱۲).

محتوای جلسات مربوط به وصایای شهدا

- جلسه اول: آماده سازی و تعیین اهداف، آشنایی با افراد گروه، اجرای پیش آزمون.
- جلسه دوم: قرائت وصیت نامه شهید تقی آقاسینی و شهید مجید آیینی.
- جلسه سوم: قرائت وصیت نامه شهید رحیم احمدی و سیدسعید احمدی.
- جلسه چهارم: قرائت وصیت نامه شهید صفر احمدی و شهید فائق احمدی.
- جلسه پنجم: قرائت وصیت نامه شهید محمدصادق احمدی و شهید علی احمد اقبالی شفیق.
- جلسه ششم: قرائت وصیت نامه شهید دهنه جانی و شهید درخشش دهقانی.
- جلسه هفتم: قرائت وصیت نامه شهید علی حسین صادقی و شهید غریب صادقی.
- جلسه هشتم: قرائت وصیت نامه شهید علی صفدر صدری و شهید شمس الله عبدالملکی.
- جلسه نهم: برنامه اختتامیه، اجرای پس آزمون.

نتایج

هدف این پژوهش، تأثیر زندگی نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان است که اطلاعات توصیفی و استنباطی مربوط به هر یک از متغیرها در زیر ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی نمرات هوش معنوی و عزت نفس در پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش و کنترل

گروه	مرحله	آزمایش		کنترل	
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
هوش معنوی	میانگین	۵۶/۴	۶۲/۴۶	۵۵/۸۷	۵۵/۶۷
	انحراف معیار	۳/۴۲	۳/۴۹	۳/۹۹	۳/۸۳
عزت نفس	میانگین	۲۱/۱۳	۲۵/۴	۲۲/۶	۲۲/۳۶
	انحراف معیار	۱/۸۹	۲/۳۸	۲/۳۹	۲/۱۲

جدول ۲. نتایج گزارش آزمون فرض همگنی شیبها

متغیرها	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig
گروه	۰/۷۵۵	۱	۰/۷۵۵	۰/۸۷۴	۰/۳۵۸
پیش آزمون	۳۴۵/۳۱	۱	۳۴۵/۳۱	۳۹۹/۶	۰/۰۰۱
گروه* پیش آزمون	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷	۰/۰۵۵	۰/۸۱۷
خطا	۲۲/۴۷	۲۶	۰/۸۶۴		

همگنی شیبها با مقدار $F(1,26)=0/055$ برای هوش معنوی معنادار نشده است. از این رو، مفروضه همگنی شیبهای رگرسیون برای متغیر هوش معنوی محقق شده است. با توجه به یافته‌های فوق، برای بررسی فرضیه مورد نظر، از تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل در هوش معنوی

Sig	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	متغیرها
0/001	422/77	352/55	1	352/55	پیش‌آزمون	هوش معنوی
0/001	354/02	295/22	1	295/22	گروه	
		0/834	27	22/51	خطا	

جدول ۳، نشان می‌دهد که مقدار $(F=354/02)$ و سطح معناداری $(0/001)$ در متغیر گروه، بیانگر تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون می‌باشد. بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از تأثیر زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس شرکت‌کنندگان می‌باشد. به عبارت دیگر، زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان توانسته است هوش معنوی و عزت نفس را در شرکت‌کنندگان گروه آزمایش افزایش دهد.

جدول ۴. نتایج گزارش آزمون فرض همگنی شیبها

Sig	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	متغیرها
0/88	0/23	0/33	1	0/33	گروه
0/001	75/05	104/315	1	104/315	پیش‌آزمون
0/425	0/657	0/913	1	0/913	گروه * پیش‌آزمون
		1/4	26	36/14	خطا

همگنی شیبها با مقدار $F(1,26)=0/657$ برای عزت نفس معنادار نشده است. از این رو، مفروضه همگنی شیبهای رگرسیون برای متغیر عزت نفس محقق شده است. با توجه به یافته‌های فوق، برای بررسی فرضیه مورد نظر، از تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون تحلیل در عزت نفس

Sig	F	میانگین مجزورات	df	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	متغیرها
0/001	76/87	105/49	1	105/49	پیش‌آزمون	عزت نفس
0/001	96/57	132/514	1	132/514	گروه	
		1/372	27	37/052	خطا	

جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار $(F=96/57)$ و سطح معناداری $(0/001)$ در متغیر گروه، بیانگر تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون می‌باشد. بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از تأثیر زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس شرکت‌کنندگان می‌باشد. به عبارت دیگر، زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان توانسته است عزت نفس را در شرکت‌کنندگان گروه آزمایش ارتقا بخشد.

هدف از این پژوهش، تأثیر زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان می‌باشد که با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت: زندگی‌نامه و وصایای شهدای استان کردستان بر ارتقاء هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان مؤثر می‌باشد.

تاریخ کهن این مرز و بوم، سرشار از فداکاری و رشادت دلیرمردان و زنانی است که در نبرد با سیاهی و ظلمت، نور و روشنایی حق را بر ایمان به ارمغان گذاشته‌اند. هر گامی که در راه پاسداشت زندگی، نام و خاطره این زورق‌نشینان کوی صفا و روشنی برداشته شود، گنجینه‌ای گران‌بها را به آنان که در دوره کنونی می‌زیند و آنها که در پی خواهند آمد، هدیه می‌کند تا جرعه‌ای از آن همه معرفت و حمیت را بنوشند و بر خود بیاند که چنین تاریخی دارند. سال‌ها گذشت، تا روزگاری آمد که نبرد میان نور و سیاهی و حق و باطل در برابر دیدگان مام در گرفت و به چشم خود دیدیم اسطوره‌هایی را که در وصف‌شان، بیت‌ها سروده و برگ‌ها نگاشته شد. آنان در قامت انسان‌هایی دلیر رشید و فداکار، برای صیافت از آرمان‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی از بالاترین هدیه حضرت پروردگار به خود که همانا جان مبارک شان بود، گذشتند و به نابودی سیاهی و ظلمت کمر همت بر بستند. بر آستان شهادت بوسه زدند و مفتخر به نام «شهید» شدند، رفتند و روشنایی آب را بر جانمان نشانندند. از این رو، معرفی شهدا و بیان زندگی‌نامه و وصایای آنان به‌عنوان الگوهای راستین برای جوانان، و اختصاص بخشی از محتوای متون درسی به این موارد و غیره، آنان را در معرض نسل جوان قرار داده و با ایجاد یک محیط مناسب برای تماس و معاشرت متقابل، می‌توان شاهد شکل‌گیری زنجیره‌ای همگون از گروه‌های مرجع تأثیرگذار و تأثیرپذیر، در تعامل با یکدیگر در تعمیق پیوندهای عمیق بین امت و الگوهای راستین و از آن طریق، شاهد گسترش فرهنگ اصیل ایثار و شهادت باشیم.

همچنین، شیرین دیدن مرگ و نترسیدن از آن و افتخار به مردن در اندیشه و وصیت‌نامه شهدا کاملاً مشهود است. در گروه شهیدان، تأسی به الگوهای دینی و گام نهادن در راه آنان، و حتی لذت دفاع از خاک و مهین حس می‌شود. شهیدان، با نشان دادن اسطوره‌ها و الگوهای واقعی دینی که همگان با آن آشنایی دارند و از کودکی با آنها انس گرفته‌اند، سعی دارند برای دیگران الگوهای صبر و استقامت را بازگو کنند. مفاهیمی مانند صبر حضرت زینب علیها السلام و صبری که خانواده و وابستگان امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا نشان دادند، همگی می‌تواند موجب ارتقا هوش معنوی و عزت نفس در دانشجویان گردد.

حیات پر نشاط، بالندگی، حماسه‌سازی، سیادت، عزت، امید و تعهد در همه حوزه‌ها، از جمله آثار فرهنگ شهادت‌طلبی بوده و در پرتو فرهنگ ایثار و شهادت به دست می‌آید. همچنین خمودی، بی‌تحریکی، ذلت و سقوط در اثر فقدان فرهنگ ایثار و شهادت پدید می‌آید. پس از تبیین آثار فرهنگ شهادت‌طلبی، به طور خلاصه می‌توان انگیزه‌های شهادت‌طلبی را این‌گونه برشمرد:

۱. پالایش روح و آمرزش گناهان با نظر به وجود الله و پیوستن به لقا و تقرب الی الله؛ ۲. امر به معروف و نهی از منکر و احیاء و اشاعه سنت‌های الهی و قبول در امتحان الهی و ذلت‌ناپذیری و ایثار در راه ارزش‌های متعالی؛ ۳. الگوسازی برای جامعه از طریق حماسه‌آفرینی و تحریک احساسات برای ترویج حق‌طلبی و انجام مسئولیت اجتماعی و حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه؛ ۴. تزریق خون تازه به بیکر اجتماع و تقویت روحیه انقلابی در آحاد مردم؛ ۵. انتخاب بهترین و هنرمندترین و زیباترین نوع مردن؛ ۶. حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله که بستر شهادت‌طلبی و ادای تکلیف است؛ ۷. سیر و سلوک معنوی و طی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنای فی‌الله و اثبات عشق حقیقی به معشوق.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. فرهنگ‌سازی و ارتقاء سطح آگاهی‌ها و باورهای دینی مردم در طول سال، باید از طریق سازمان‌های مسئول و متولی امور دینی، مذهبی و فرهنگی، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی صورت گیرد؛ چرا که اطلاع و آگاهی مردم از هر چیزی، زمینه‌ساز کشش به سمت آن می‌باشد. روشن است وقتی در مورد پدیده‌ای آگاهی نداشته باشیم، نسبت به آن انگیزه و گرایشی نخواهیم داشت. این آگاهی‌بخشی هم برای تقویت رفتار مشارکتی مردم و هم برای اطلاع از حقوق فردی و اجتماعی نسبت به آن و هم آشنایی با تهدیدات دشمنان در آن حوزه قطعاً کارساز و مؤثر است.
۲. ایجاد ارتباط و تعامل متقابل از سوی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران با جوانان، به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان و نیز برگزاری نشست‌های مشترک و تخصصی دوره‌ای و حمایت از طریق پژوهش‌های علمی و عملیاتی آنان و نیز ایجاد تعامل سازنده با سایر نهادهای آموزشی و پژوهشی و استفاده از ایده‌های متخصصان و صاحب‌نظران حوزه دین، می‌تواند زمینه‌ساز ترویج فرهنگ ایثار و شهادت باشد. این فرهنگ و حتی بیان وصایا و زندگی‌نامه شهدا، می‌تواند زمینه‌ساز زندگی مطلوب و روحیه مثبت در افراد و افزایش کیفیت زندگی و معنویات در زندگی و موجب رستگاری افراد جامعه گردد.
۳. بیان وصایای شهدا از لحاظ فرهنگی و آموزشی نیز بسیار مهم است. هدف از آن، یادآوری و انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر می‌باشد و نسل جدید پی خواهند برد که آسایش و امنیت امروز آنان مرهون ایثارگری‌ها، فداکاری‌ها و شهادت‌ها است. ایثار و شهادتی که در قرآن و زبان اهل بیت علیهم‌السلام آمده مبتنی بر گزینش مرگ متکی بر شناخت و آگاهی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل بشری است که شهید و ایثارگر، با آگاهی آن را انتخاب می‌کند و روحیات یک ملت را تضمین می‌نماید؛ زیرا شهادت مکتب سازنده‌ای است که شگرف‌ترین اثرات بر آن مرتبت است. در این صورت، ملت ما با ارزشگذاری بر حرکت شهدا و مقابله با فرصت‌طلبان، اجازه کوچک‌ترین استفاده‌ی ابرازی از آنان را برای مقاصد سیاسی و اقتصادی خود نخواهد داد و حرکت در راستای توسعه فرهنگ ایثار و شهادت یکی از نشانه‌های بارز آن است.
۴. همچنین، برخی از شاخص‌ترین عواملی که موجب تضعیف و کم‌رنگ شدن فرهنگ ایثار و شهادت در حوزه نظام آموزش عالی می‌شوند، عبارتند از: نقص در کتاب‌های درسی، محیط آموزشی، و بی‌توجهی برخی مسئولان نظام آموزشی به این فرهنگ. امید است با توجه به دستاوردها و نتایج این پژوهش، بتوان طرحی پیشنهاد کرد که با شناسایی عوامل تأثیرگذار در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و روحیه شهادت‌طلبی و از خودگذشتگی و حتی هوش معنوی و عزت نفس بتوان اعمال و رفتار افراد جامعه را به شکل هوشمندانه‌ای نظم و ترتیب و شکل داد و بستری فراهم کرد تا دانشجویان را به سوی یک زندگی سالم‌تر و رشدیافته هدایت کند.

از محدودیت‌های این پژوهش، عدم وجود پژوهش مشابه در زمینه تأثیر زندگی‌نامه و وصایای شهدا و جدید بودن موضوع بود که با جست‌وجو در پایگاه‌های علمی - پژوهشی و سایت‌های مختلف اینترنتی و جست‌وجو در مجلات

معتبر داخلی و خارجی هیچ پژوهشی با موضوع تأثیر زندگی نامه و وصایای شهدا چه در داخل و چه در خارج انجام نگرفته بود. همین امر موجب شده که پیشینه کافی وجود نداشته باشد. این پژوهش، از اولین پژوهش‌ها در این زمینه می‌باشد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش، اجرای جلسات بود که در برخی موارد، پژوهشگر از بیان عمیق احساسات در زمان قرائت وصیت‌نامه، به دلیل غالب شدن احساسات ناتوان بود و تا حدودی از بار ثقیل بودن آنها کاسته می‌شد.



منابع

- استادیان، مریم و همکاران، ۱۳۸۸، «اثر بخشی مشاوره گروهی به شیوه عقلانی - عاطفی - رفتاری الیس، بر اضطراب امتحان و عزت نفس دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهر بهبهان»، *مطالعات آموزش و یادگیری دانشگاه شیراز*، ۱ (۲)، ص ۱۸-۱.
- تمنایی فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی»، *پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ش ۵۶، ص ۹۹-۱۱۴.
- جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۲، *فرهنگ اعلام شهدای استان کردستان*، تهران، تنظیم دفتر پژوهش های فرهنگی بنیاد شهید.
- حدادنیا، سیروس و ناصر جوکار، ۱۳۹۵، «رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با رفتار شهروندی سازمانی دبیران»، *رهیافتی نو در مدیریت آموزش*، ش ۲۶، ص ۱۵۷-۱۷۹.
- حراغلی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *وسائل التبیحه*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حسین چاری، مسعود و حمیدرضا ذاکری، ۱۳۸۹، «تأثیر زمینه های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی، کوششی در راستای روان سازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی»، *مجله اندازه گیری تربیتی*، ش ۱، ص ۷۳-۹۳.
- خادمی خالدی، حسینی، (تنظیم و تصحیح، ۱۳۹۰)، *وصیت نامه کامل شهدای استان کردستان*، تهران، واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران.
- کشاورزی، سمیه و فریده یوسفی، ۱۳۹۱، «رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب آوری»، *روان شناسی*، ش ۳، ص ۲۹۹-۳۱۸.
- محمودی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۵، «ترسیم نقشه موضوعی اسناد جنگ تحمیلی: مطالعه موردی وصیت نامه فرماندهان پاسدار شهید استان کرمان»، *گنجینه اسناد*، ش ۱۰۴، ص ۸۲-۹۳.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- وندرزلن، جیمز، ۱۳۸۷، *روان شناسی رشد*، ترجمه حمزه گنجی، تهران، ساوالان.
- الوندی، محمد و ندا سلیمانی، ۱۳۹۵، «تحلیل ارزشیابی بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد فضای مجازی پس از تشکیل شورای عالی فضای مجازی»، *مطالعات رسانه ای*، ش ۳۲ و ۳۳، ص ۴۱-۵۷.
- Bandura, A, & Adams, N. E, 2002, Analysis of self – efficacy theory in behavior change, *Cognitive theory ther & Res*, 23(1), 287–310.
- Hasanvand, B, & Khaledian, M, 2012, The Relationship of Emotional Intelligence with Self-esteem and Academic Progress, *Int J Psychol Behav Sci*, 2(6), p. 231-236.
- Hosseini, M. A, et al, 2007, “The Correlation between Self – esteem and Academic Achievement in Rehabilitation Students in Tehran University of Social Welfare and Rehabilitation”, *The Iranian Journal of Education In Medicine*, 7(1), 137-142.
- Nasel, D. D, 2004, *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*, Doctoral Dissertation, University of South Australia: Australia.
- Zohar, D, & Marshall, I, 2000, *Connecting with our spiritual intelligence*, New York, Bloomsbury. Retrieved from: medind.nic.in/jak/t06/t1/ jakt06i1p 227.pdf.

بررسی دیدگاه پیتسرینگر دربارهٔ ذبح اسلامی حیوانات

aatemoti@gmail.com

علی اکبر تیموری فریدنی / دانشجوی دکتری اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

چکیده

حرکت اصلاحی که در اواخر قرن بیستم، دربارهٔ حیوانات اتفاق افتاد، موجب تغییر نگرش نسبت به حیوانات گردید. این امر، برخی دیدگاه‌های رایج در اسلام را به چالش کشید. در این میان، پیتسرینگر به‌عنوان پیش‌تاز بحث اخلاق حیوانات، با انتشار کتاب «آزادی حیوانات»، نقطهٔ عطفی را در این باره گشود. او با انتقاد از اسلام و ادیانی که ذبح را مجاز می‌دانند، این اقدام را غیراخلاقی دانسته، با تکیه بر سودگرایی و اقامه استدلال، به لزوم پرهیز از آن رأی داده است. در این مقاله، صرف‌نظر از هرگونه ارزش داور در باب اخلاقی بودن یا نبودن ذبح، و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به دست می‌آید که سینگر نمی‌تواند با حفظ پیش‌فرض‌های دینداران، ذبح را به چالش بکشد. همچنین، استدلال وی مخدوش بوده و او قابل پذیرش نیست؛ چرا که از نظر دینداران ذبح حیوان، برای ذبح و مذبح دارای منفعت و سود است. بنابراین، سینگر نمی‌تواند با تکیه بر سودگرایی، ذبح در ادیان را، که به اعتقاد دین باوران منفعتی بیش از درد و رنج حیوان دارد، به چالش بکشد. همچنان می‌توان در بستر سودگرایی، ذبح را امری اخلاقی قلمداد کرد.

کلیدواژه‌ها: ذبح، سینگر، سودگرایی، رنج، منافع.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از مسائلی که اسلام بسیار بر آن تأکید کرده، «إِراقَةُ الدَّمِ» است. «إِراقَةُ» در لغت به معنای «صَب» یا «ریختن» است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۵ ص ۳۷۶). بنابراین، «إِراقَةُ الدَّمِ» به معنی «ریختن خون» است. منظور همان قربانی کردن یا ذبح حیوان است. قربانی کردن حیوان، در مواردی همچون نذر یا کفاره واجب است. اما شایع‌ترین نوع آن در حج است. هر ساله در اجتماع عظیم مسلمانان در منا، چندین میلیون حیوان قربانی می‌شود و به تبع، مسلمانان در سایر نقاط دنیا به این امر اقدام می‌کنند. توصیه بر «إِراقَةُ» به گونه‌ای است که در برخی روایات جزو ایمان دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۶۸ ص ۵۰۷). بر اساس مفاد برخی دیگر از روایات، از جمله مواردی است که بیشترین میزان تقرب به خداوند را به دست می‌آورد (همان، ص ۴۸۳). اما ریختن خون حیوان، در صورتی که به‌عنوان عقیقه باشد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چرا که در عقیقه، قربانی عاملی برای دوری بلا از طفل بوده و در سلامت فرد مؤثر است. چنان که در دعایی که هنگام عقیقه وارد شده است، چنین می‌خوانیم: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقِيقَةَ عَنِ فُلَانٍ، لِحَمِهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمِهَا بَدَمِهِ وَ عَظْمِهَا بِعَظْمِهَا اللَّهُمَّ الْجَعْلَهُ وَقَاءً لَأَلِّ مُحَمَّدٌ»^۱ (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۷۱۵). همان‌طور که از این دعا استنباط می‌شود، طفل با عقیقه کردن، به گونه‌ای بیمه می‌شود (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۲-۴۲۹).

علی‌رغم اقبال گسترده مسلمانان به قربانی کردن حیوانات، جنبشی در مخالفت با این سنت، در غرب شکل گرفته است. گسترش بحران‌های زیست‌محیطی و نقش مسلم انسان در ایجاد این مشکلات، موجب شده تا رفتار انسان با محیط زیست، بخصوص حیوانات مورد بازبینی قرار گیرد. در این میان پیتر سینگر، با انتشار کتاب *آزادی حیوانات* فصل جدیدی را در اخلاق حیوانات گشود. از نظر او، ذبح موجب آزار و ایجاد درد فراوان برای حیوان است. از این رو، باید ذبح و به تبع، گوشت‌خواری را کنار گذاشته و گیاه‌خوار شویم.

این مقاله، می‌کوشد دیدگاه سینگر در باب ذبح را مطرح کرده و روشن کند که آیا با توجه به مبانی وی، ذبح برای دینداران توجیه اخلاقی داشته و همچنان می‌توان از آن دفاع کرد یا خیر؟ توجه به این نکته لازم است که منتقدان ذبح به دو شکل ذبح را به چالش کشیده‌اند: مخالفت با آزار و اذیت حیوانات و تأکید بر حق حیات آنها. در این مقاله، صرفاً به بحث آزار و اذیت حیوانات به هنگام ذبح می‌پردازیم.

دین و بحران محیط زیست

با گسترش بحران‌های زیست‌محیطی، برخی درصدد ریشه‌یابی این مشکلات برآمدند. *لین‌وایت*، در سال ۱۹۶۷ در مقاله‌ای پنج صفحه‌ای تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران زیست‌محیطی ما»، دین را یکی از عوامل مؤثر در تخریب محیط زیست دانست. از نظر او، آنچه مردم درباره محیط زیست انجام می‌دهند، وابسته به آن چیزی است که راجع به ارتباط خود با اشیاء می‌اندیشند، و تا زمانی که دیدگاه مسیحیت در باب برتری انسان بر طبیعت و اینکه همه چیز برای انسان آفریده شده است، کنار گذاشته نشود، بحران محیط زیستی ما حل نخواهد شد. او می‌گوید: «ما در ته دل خود، جزء فرایند طبیعی نیستیم، برتر از طبیعتیم، تحقیرکننده آنیم، خواهان آنیم که از آن برای

حقیق‌ترین هوس‌های خود بهره جوییم» (وایت، ۱۹۶۷، ص ۱۲۰۳)، مانکریف در سال ۱۹۷۰ در جوابیه‌ای پاسخ وایت را داد. از نظر او، آموزه‌های دینی حداکثر، تأثیر غیرمستقیم بر طرز تلقی و رفتار ما نسبت به طبیعت داشته‌اند و نباید یگانه عامل این بحران‌ها را دین بدانیم. وی معتقد است: «ریشهٔ مشکلات محیط زیستی ما ناشی از عواملی همچون مردم‌سالاری، فناوری، ثروت و شهرنشینی است» (مانکریف، ۱۹۷۰، ص ۵۰۸-۵۱۲).

اما پتریک دوپل، با طرح اخلاق خلافت، نه تنها دین را مخرب محیط زیست معرفی نکرد، بلکه معتقد بود: زمین، امانتی است که خدا به انسان سپرده و انسان باید آن را برای نسل‌های بعدی حفظ کند. این وظیفه، در کنار اینکه انسان خلیفهٔ خداست و باید از هرگونه ظلم پرهیز کند، موجب می‌شود تا هرگونه بهره‌وری ناصواب از محیط زیست ممنوع باشد (دوپل، ۱۹۹۸، ص ۲۶-۳۰).

اما متفکرین بعدی سه‌گانه وایت، مانکریف و دوپل را رها کرده و به جای بحث دربارهٔ ریشهٔ بحران‌های زیست‌محیطی، توجه خود را به این نکته معطوف کردند که اکنون چگونه باید با محیط زیست رفتار کنیم. در میان بحث‌های زیست‌محیطی، حیوانات جایگاه ویژه‌ای دارند. زندگی انسان‌ها و حیوانات در کنار یکدیگر و بهره‌برداری‌های فراوان انسان از آنها، شناخت و روش صحیح برخورد با حیوانات را ضروری می‌کند. پس از جنگ جهانی دوم، بخصوص بعد از دهه ۱۹۷۰، توجه ویژه‌ای به حیوانات و نحوه رفتار انسان با آنها انجام شد. گرچه بحث از حیوانات و رفتار اخلاقی با آنان سابقه طولانی دارد، اما در دوران جدید بحث دربارهٔ آنها ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که با بحث‌های صورت گرفته در گذشته کاملاً متفاوت است. اصولاً پس از دهه ۱۹۷۰، حمایت از حیوانات به صورت جنبش‌های همه‌جانبه و بی‌نظیر اجتماعی درآمد. شناخت و اطلاعات بیشتر در باب محیط زیست، ماهیت انسان و نحوه رفتار انسان با سایر موجودات پیرامونی، خود از جمله عوامل مؤثر در متفاوت کردن این جنبش از پیشینیان بود. در این میان، علاوه بر شکل‌گیری نهادهای سازمان‌های مختلف در حمایت از حیوانات، بحث‌های متنوعی نیز در این باره در ادبیات پدید آمد (میلر و ویلیامز، ۱۹۸۳، ص ۷).

دیدگاه پیتر سینگر در مورد پرورش و کشتار حیوانات

پیتر سینگر، یکی از شاخص‌ترین صاحب‌نظران در حوزهٔ اخلاق کاربردی است. انتشار کتاب *آزادی حیوانات* وی، نقطهٔ عطفی در اخلاق حیوانات محسوب می‌شود. سینگر با تکیه بر سودگرایی درصدد است تا چگونگی رفتار ما با حیوانات را به چالش بکشد.

سودگرایی اخلاقی معتقد است: درستی یا نادرستی یک فعل به میزان سود و منفعتی که از کار حاصل می‌شود، وابسته است. بنابراین، یک عمل در صورتی درست است که بیشترین خیر را برای بیشترین افراد ایجاد کند (پالمر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵). اما سودگرایان، هر یک تفاسیر متفاوتی از سود ارائه داده‌اند. بنّام، سود را به لذت تعریف کرده و معتقد است: کار خوب، کاری است که دارای بیشترین لذت و کمترین درد است. بعدها میل، علاوه بر کمیت، کیفیت را هم در سنجش سود دخیل دانست. فیلسوف انگلیسی مور، نیز سود را نوعی لذت ذهنی تعریف کرد (سن، ۱۹۸۲،

ص ۵۴). هر یک از این تعاریف، با اشکالات متعددی روبرو بودند، به گونه‌ای که اکثر سودگرایان امروزی، برای برون‌رفت از این تناقضات قائل به سودگرایی ترجیحی شده‌اند (هایری، ۱۹۹۴، ص ۸۵). در سودگرایی ترجیحی، سود به معنای ارضاء امیال بوده و کار خوب، کاری است که تمایلات بیشتری را ارضاء کند (همان، ص ۶۵). سودگرایان ترجیحی، از واژه‌های مختلفی برای اشاره به «امیال» استفاده می‌کنند. واژه‌هایی همچون «ترجیحات»، «امیال» و یا «منافع» که سیگر از آن استفاده می‌کند، همه در فضای سودگرایی ترجیحی مطرح شده است. در اندیشه سیگر، ما اخلاقاً موظفیم از رنجاندن و آزار حیوانات پرهیز کنیم؛ چراکه آنها تمایلی به رنج نداشته و از آن گریزانند. این عدم تمایل، نخستین بار توسط بنتام به طور ضمنی مطرح شد: پرسش این نیست که آیا حیوانات فکر می‌کنند و نه اینکه آیا آنها سخن می‌گویند، بلکه پرسش این است: آیا آنها رنج می‌برند؟ (فرانکلین، ۲۰۰۵، ص ۲). اگرچه بنتام خود هیچ‌گاه گوشت‌خواری را ترک نکرد، بلکه تنها از روش‌های انسانی در سلاخی حیوانات دفاع کرد، اما فضای مساعدی را برای توجه بیشتر به موضوع حیوانات فراهم کرد. سیگر با تکمیل استدلال بنتام، نتیجه دلخواه را از آن به دست آورد.

اگر چه سیگر با هر گونه بهره‌بری از حیوانات مخالف بوده و وجود باغ وحش، سیرک و مسابقات اسب‌سواری را محکوم می‌کند، اما رنجی که حیوانات در آزمایشگاه‌ها و دامداری‌ها متحمل می‌شوند، برای او از همه اینها دردناک‌تر و ظالمانه‌تر است. از نظر او، انجام هرگونه آزمایشات پزشکی و نیز تست محصولات آرایشی و بهداشتی، بر روی حیوانات ممنوع بوده و باید از آن خودداری کرد (سیگر، ۲۰۰۲، ص XVII). نقد جدی سیگر، به دامداری‌های صنعتی است که به منظور تولید گوشت و کسب درآمد بیشتر، مرتکب ظالمانه‌ترین و دردناک‌ترین رفتارها در حیوانات می‌شوند. او معتقد است: هرگونه رفتاری که موجب آزردن حیوانات و ایجاد درد برای آنان شود، بد و غیراخلاقی است؛ چراکه حیوانات از درد گریزانند و میلی به آن ندارند (سیگر، ۲۰۱۱، ص ۵۴). در نگاه سیگر، از آنجاکه حیوانات نیز به اندازه انسان لذت و درد را حس می‌کنند، لازم است شأن اخلاقی آنان نیز رعایت شود. در حقیقت، با تکیه بر همین اصل رنج و لذت، سیگر معتقد است: موجودات حساس، اعم از انسان و غیرانسان، از آنجاکه توان درک درد و لذت را دارا هستند، شأن اخلاقی برابر و مساوی با دیگران دارند (همان، ص ۵۰). با این حال، از نظر او استفاده از حیوانات در آزمایشگاه‌ها و نیز تولید گوشت با بهره‌گیری از سیستم دامداری‌های صنعتی، غیراخلاقی است. او این تصور را که لذت ما از گوشت‌خواری، بیش از رنجی است که حیوانات در مراحل رشد و ذبح می‌برند را نپذیرفته، و می‌گوید: سودگرایی این اجازه را به ما نمی‌دهد که منافع بزرگ (ترنجیدن حیوانات) را قربانی منافع کوچک (لذت بردن از گوشت‌خواری) کنیم (همان، ص ۵۴).

او رفتار کسانی را که علی‌رغم علم به رنج‌های حیوانات، همچنان از گوشت استفاده می‌کنند، نوع‌پرستانه دانسته و می‌گوید: همچنان که یک نژادپرست خود را برتر می‌داند و منافع نژاد خودش را بر نژادهای دیگر مقدم می‌کند، انسان‌ها نیز خود را مقدم بر سایر حیوانات می‌دانند و منافع خود را در نظر می‌گیرند. سیگر معتقد است: اگر ما با حیوانات به گونه‌ای رفتار کنیم که هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهیم با کودکان مان آن‌گونه رفتار شود، ما دچار نژادپرستی شده‌ایم (سیگر، ۲۰۰۲، ص ۱۸).

ممکن است ابتدا به تفاوت‌های میان انسان و حیوان اشاره کنیم و انسان را به دلیل فکر و اندیشه، تافته‌ای جدا بافته بدانیم و بگوییم: منافع و امیال انسان از اهمیت بیشتری در مقایسه با منافع و امیال حیوانات برخوردار است. سینگر در پاسخ به این استدلال، اصل تساوی را مطرح می‌کند. اصل تساوی، شرط هر حکم اخلاقی است و در نظر سودگرایان، تنها اصل بنیادی در اخلاق بوده که هیچ اصل دیگری نمی‌تواند آن را محدود کند (سینگر، ۱۹۸۰، ص ۳۳۹). مطابق با اصل تساوی که به بی‌طرفی نیز مشهور است، حکم اخلاقی باید عام و جهان‌شمول باشد. اصل تساوی به ما می‌آموزد که نباید رفتار ما، وابسته به علائق و توانایی‌هایمان باشد و لازم است منافع همهٔ کسانی که فعل ما روی آنان اثر دارد، به یک اندازه مهم باشد و به آن توجه شود. به دلیل همین اصل تساوی، ما هیچ‌گاه اجازه نداریم منافع کسانی را که از بهره‌های کمتری برخوردارند، از بین برده و یا از آنها بهره‌وری کنیم. این اصل تساوی، تعمیم پیدا کرده و شامل حیوانات نیز می‌شود. اگرچه ممکن است توانایی انسان بیش از حیوانات باشد، اما این امر موجب نمی‌شود منافع آنان را در نظر نگیریم (سینگر، ۲۰۱۱، ص ۵۰). اصل تساوی که بیان کامل‌تری از اصل تعمیم‌پذیری کانت است، به معنای تساوی در رفتار نیست، بلکه معنای آن توجه و ملاحظهٔ مساوی منافع همهٔ افراد مرتبط با فعل است. اگرچه در عمل با همهٔ افراد رفتار مساوی نداشته باشیم (سینگر، ۱۹۸۰، ص ۳۳۹). با این حال، ما مجاز نیستیم که منافع و درد و رنج خود را بر منافع و درد و رنج حیوانات مقدم کنیم.

سینگر اگرچه عمده‌ترین مسائل غیراخلاقی دربارهٔ حیوانات را اخته کردن، داغ نهادن و جدایی میان مادر و فرزند می‌داند، اما ذبح و قربانی کردن حیوانات را اوج بی‌رحمی و بداخلاقی برمی‌شمرد (سینگر، ۲۰۰۲، ص ۱۴۷). او در تأثیر شوک الکتریکی که پیش از ذبح بر حیوان وارد می‌شود تا از درد و رنج او جلوگیری کند، تردید دارد. وی مطمئن نیست که اولاً، در همهٔ نقاط دنیا زیر بار هزینه‌های سنگین اجرای شوک الکتریکی رفته و ثانیاً، فاصله زمانی به گونه‌ای رعایت شود که هنگام ذبح، حیوان همچنان بی‌حس بوده و اثر شوک از بین نرفته باشد (همان، ص ۱۵۳). او در این باره می‌گوید:

هنوز هم بسیاری از کسانی که گوشتی را از بازار می‌خرند امید دارند که این گوشت بدون درد و رنج حیوان به دست آمده باشد و یا گوشت حیوان مرده را مصرف کنند، اما به راستی نمی‌خواهند حقیقت را در این باره بدانند؛ چرا که بسیاری از گوشت‌ها به سنت اسلام یا یهود تهیه می‌شود و طبق این دو سنت، حیوان باید در هنگام ذبح شدن هوشیار باشد و اگر بی‌هوش باشد یا تحرک نداشته باشد و سپس قربانی شود استفاده از گوشت آنان ممنوع است. بنابراین، عملاً امکان بی‌حس کردن حیوانات به وسیله شوک‌های الکتریکی وجود ندارد (همان، ص ۱۵۳).

همچنین، ارتدوکس‌های مسیحی معتقدند: خون قربانی نباید با بدن حیوان آغشته شود. لذا او را از یک پا آویزان می‌کنند و وزنی حدود یک تن بر پای او وارد می‌شود. در بسیاری از موارد، پای حیوان از جا در می‌آید و موجب رنج فراوان حیوان می‌شود. بنابراین، بسیاری از حیوانات با شرایط دینی ذبح می‌شوند که همراه با درد و رنج فراوان برای حیوان است (همان، ص ۱۵۵).

او با انتقاد از ادیان سامی و اسلام به دلیل فجایعی که به نام دین بر روی حیوانات رقم می‌زنند، دینداران را این‌گونه نصیحت می‌کند که بیاندیشند که آیا رفتار آنان با حیوانات، با روح حاکم بر دیان سازگار است یا خیر (همان).

آنچه گفتیم خلاصه‌ای از دیدگاه ساینگر دربارهٔ اخلاق حیوانات بود که در کتب خود بیان کرده است. با توجه به اینکه در فرهنگ اسلامی، بداخلاقی‌هایی همچون اخته کردن (إخصاء)، داغ نهادن (وسم) و پی کردن (عقر) نسبت به حیوانات ممنوع بوده و از این رو با ساینگر هم‌صداییم (ر.ک: نظری توکلی، ۱۳۸۸)، در این نوشتار منحصراً مسئلهٔ ذبح را مورد بررسی قرار داده و اشکالات ساینگر را ارزیابی می‌کنیم.

ممکن است ابتدا پاسخی به دیدگاه برابری منافع انسان و حیوان بدهیم. اگر موقعیتی را فرض کنیم که سگی، یک کودک را تهدید می‌کند، به‌گونه‌ای که ممکن است کودک را گاز بگیرد و ما برای دور کردن سگ، مجبوریم به او به اندازه کافی درد وارد کنیم، تا از کودک دور شود؛ در چنین موقعیتی با شهود اخلاقی در می‌یابیم که باید حیوان را دور کرد. هرچند این امر مستلزم تحمیل درد و رنج باشد. درحالی‌که از نظر ساینگر، باید محاسبه درد و لذت را انجام دهیم و اگر درد وارده بر سگ، بیش از میزان درد وارده بر کودک باشد، نمی‌توان حیوان را دور کرد. بنابراین، نظر ساینگر به روشنی خلاف شهود اخلاقی ما بوده و در نتیجه، اصل تساوی میان انسان و حیوان باطل است. اما ساینگر به سادگی از عهده پاسخ ما بر می‌آید. او به‌طور کلی، شهود را در اخلاق هنجاری حجت ندانسته و معتقد است: به دلیل عوامل مختلفی که در شهود اخلاقی ما دخیل‌اند، نمی‌توان به حکم آن اعتماد کرد (ساینگر، ۲۰۱۱، ص ۱۴). لذا باید توجه کرد که در نقد ساینگر نمی‌توان و نباید از دلایل شهودی استفاده کرد.^۲

قیاس ساینگر علیه ذبح

از مجموع آنچه که ساینگر در باب ذبح گفته است، می‌توان چنین قیاسی را استنباط کرد:

- ذبح موجب آزردن حیوان است؛

- آزردن حیوان ظلم و غیراخلاقی است؛

- ذبح، ظلم و غیراخلاقی است.

تقریباً اکثر کتبی که به بحث از حیوانات پرداخته‌اند، فصلی را به مقدمهٔ اول این قیاس اختصاص داده، درصدد پاسخ به این پرسش برآمده‌اند که آیا حیوانات به هنگام ذبح، رنج می‌برند، یا خیر؟ شواهد نشان می‌دهد که حیوانات نیز همچون انسان‌ها رنج می‌برند. همان‌گونه که ما رنج کشیدن انسان‌ها را با برخی علائم درک می‌کنیم، همان علائم و شواهد در پستانداران نیز وجود دارد. این امر گواه بر آن است که آنان نیز رنج می‌برند. اگرچه برخی از حیوانات، همچون ماهی کمتر حساس هستند. با این حال، شواهد فراوانی وجود دارد که آنان نیز درد را حس کرده و از آن رنج می‌برند؛ حتی عده‌ای با انجام آزمایش‌های متعدد بر روی حیوانات، معتقدند که حیوانات نیز همچون انسان‌ها دچار ترس، ناراحتی و اضطراب می‌شوند (هیلس، ۲۰۰۵، ص ۴۴).

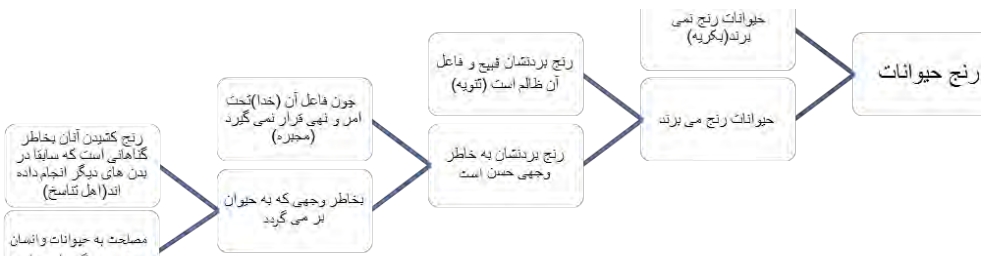
اندیشمندان اسلامی نیز معتقدند: حیوانات به هنگام ذبح رنج می‌کشد، به‌گونه‌ای که برخی انکار آن را خلاف بداهت می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۳۵۸، ص ۵۰۳؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۱۸). اما در عین حال، عده‌ای با انکار رنج کشیدن حیوانات به هنگام ذبح، مقدمهٔ اول ساینگر را به چالش کشیده‌اند. از نظر آنان، شرایط ذبح و قطع سریع

رگ‌های حیوان به گونه‌ای است که حیوان (اگرچه بی‌حس نباشد)، به هیچ عنوان احساس درد نمی‌کند (نظری، ۱۳۸۸، ص ۶۸). اما این دیدگاه مخالفان بسیاری دارد. چنانچه گفتیم، خلاف بدهت بوده و می‌توان مؤیداتی در رد آن به دست آورد. اساساً بحث از آزردن حیوانات هم در فقه و هم در کلام، سابقه‌ای دیرینه دارد. از نظر فقهی، هرگونه آزردن حیوانات که فایده‌ای در آن نباشد، حرام است. اما ذبح به دلیل مصلحتی که در آن وجود دارد، از این حکم کلی استثناء شده است (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۰۸؛ اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۲۳۵). اما جنبهٔ کلامی این بحث، که به گونه‌ای تکمله بحث فقیهان محسوب می‌شود، در بحث آلام و أعضاض مطرح شده است. «عَوَض» در اندیشه متکلمان، نفعی است که شخص استحقاق آن را داشته و این نفع بدون بزرگداشت و تکریم عطا می‌شود. قید «استحقاق»، «بخشش» و «تفضل» را که در آن شخص مستحق نیست، خارج می‌کند و قید بدون بزرگداشت و تکریم، ثواب را خارج می‌کند؛ چراکه ثواب همواره همراه با تکریم صورت می‌گیرد. از نظر متکلمان، حیوانات به دلیل آزار و اذیتی که به هنگام ذبح متحمل می‌شوند مستحق عوض هستند. توضیح اینکه خداوند یا به نحو وجوبی در حج و کفاره و نذر، یا به نحو استجابی همچون عقیقه، به ذبح حیوانات امر کرده است. با توجه به اینکه حیوان به هنگام ذبح رنج می‌برد، عوض رنج او بر خداوند واجب است. وجوب عوض بر خداوند، مورد قبول عدلیه است (علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۵۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۰؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۲-۳۳۳). چنان که روشن است، پیش‌فرض فقها در استثناء کردن ذبح از حرمت ایلام و نیز بحث متکلمان دربارهٔ عوض، رنج کشیدن حیوانات در هنگام ذبح است. به علاوه، توصیه‌های فراوانی که در روایات مبنی بر تیز بودن چاقو در هنگام ذبح آورده شده نشان می‌دهد که حیوانات به هنگام ذبح رنج می‌برند. از این رو، می‌توان در پذیرش مقدمهٔ اول، با سینگر هم‌صدا شویم.

البته در اینجا نمی‌توان از اشکال فاکس صرف‌نظر کرد. او معتقد است: اگر بخواهیم ذبح را ممنوع کنیم، لازم است درکی از کیفیت و کمیت رنج حیوانات داشته تا بتوانیم با تکیه بر سودگرایی، به‌درستی، سود و زیان را بسنجیم و به ممنوعیت ذبح حکم کنیم. از آنجاکه نمی‌توان رنج حیوانات را از نظر کیفی و کمی به دست آورد، مجاز به قیاس و همانندی رنج حیوان با انسان نیستیم (فاکس، ۱۹۸۷، ص ۱۳۵).

با صرف‌نظر از اشکال مهم فاکس و با مسلم انگاشتن اینکه حیوانات به هنگام ذبح رنج می‌برند، در مورد مقدمهٔ دوم سینگر (رنجاندن حیوانات ظلم است) باید گفت: سینگر با قیاس میان انسان و حیوان می‌گوید: همان‌گونه که رنجاندن انسان بد است؛ چون درد بد است، رنجاندن حیوان هم بد است؛ چراکه در آنجا نیز درد وجود دارد. براین اساس، تمایز گذاشتن میان درد انسان و درد حیوان، چیزی جز نوع‌پرستی و گونه‌پرستی نیست.

برخلاف مقدمهٔ اول، که اغلب اندیشمندان اسلامی آن را بدیهی دانسته و چندان به بحث از آن نپرداخته‌اند، مقدمهٔ دوم محل اختلاف فراوان میان اندیشمندان اسلامی بوده، بحث‌های فراوانی دربارهٔ آزردن حیوان و اینکه این کار قبیح است یا خیر، صورت گرفته است. بسیاری بر خلاف سینگر، بر این باورند که رنجاندن حیوان به دلیل مصلحتی که در آن است، ظلم نبوده، بلکه حسن است. در کتاب‌های کلامی دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ ذبح حیوانات، این‌گونه دسته‌بندی و مطرح شده است:



چنان که روشن است، سیبگر همچون ثنویان هرگونه رنجاندن حیوان را قبیح می‌داند. درحالی که رنجاندن در صورتی که سودی نداشته باشد، بی‌هوده و ظلم تلقی می‌شود (طوسی، ۱۳۵۸، ص ۴۸۳). براین اساس، اغلب اندیشمندان اسلامی، نه تنها آزرده حیوان به خاطر ذبح را قبیح نمی‌دانند، بلکه آن را به دلیل نفعی که به ذابح و مذبوح می‌رساند، حسن نیز می‌پندارند؛ چراکه از سویی حیوان قربانی شده مستحق دریافت عوض می‌شود. از سوی دیگر، ذابح نیز نفع فراوانی از ذبح می‌برد. همچنان که در حج و کفارات و نذر، فرض بر آن است که رستگاری فرد، رضایت و خشنودی خداوند در گرو قربانی کردن است. سیبگر، همیشه رنج حیوان در هنگام ذبح را در یک کفه ترازو و لذت فرد از گوشت‌خواری را در کفه دیگر می‌نهد و چون کفه رنج بردن حیوانات سنگین‌تر است، با قاطعیت حکم می‌کند که هرگونه آزار حیوانات، ذبح آنان و به تبع گوشت‌خواری ممنوع است. اما باید توجه کرد که اگرچه در یک طرف، رنج حیوان قرار دارد، اما منظر دینداران جانب دیگر را نباید تنها لذت گوشت‌خواری دانست، بلکه صلاح و رستگاری، رضایت الهی و نوعی بیمه شدن نیز مطرح است. با این حال، می‌توان پاسخی نقضی به سیبگر داد و نتیجه دلخواه او را نپذیرفت. از این رو، پذیرش مقدمه دوم سیبگر و ممنوعیت آزار حیوانات به نحو مطلق، برای دین‌باوران دشوار است؛ زیرا بر فرض پذیرش مبنای سودگرایی سیبگر، ممکن است به علت داشتن دیدگاهی متافیزیکی و در نظر گرفتن سود اخروی، همچنان به ذبح حیوانات حکم کنیم.

ذبح و ابزارهای جدید

یکی از نکاتی که سیبگر آن را برجسته می‌کند، ممنوعیت استفاده از شوک الکتریکی، برای ذبح حیوانات در سنت اسلامی است. اما امروزه بسیاری از فقها ذبح حیوانی که بی‌هوش است را مجاز می‌دانند.^۳ آنچه در فقه به‌عنوان شرط اساسی ذبیحه آورده شده، حیات حیوان و زنده بودن آن است. حیات به دو معناست: گاهی حیات مستقر است که منظور از آن، زنده بودن حیوان به گونه‌ای است که بتواند یک یا چند روز زنده بماند. اما حیات به‌معنای عام، شامل حیات مستقر و غیرمستقر می‌شود. حیات غیرمستقر، شامل حیوان مشرف به موت که تا لحظاتی دیگر جان می‌دهد نیز می‌شود. آنچه به‌عنوان علائم حیات حیوان در روایات آمده است، پلک زدن و تکان خوردن پا و دم است که با حیات غیرمستقر نیز سازگار است. از سوی دیگر، اگر علائم حیات حیوان را که در روایات مطرح شده است، کاشف از زنده بودن حیوان بدانیم نه موضوعی که باید در هر ذبحی احراز کنیم، در این صورت چنان که حیوان به هنگام ذبح، پلک زند و حرکت پا و دم هم نداشته باشند، اما به نحو دیگری (همچون خروج خون به شدت و اندازه متعارف)، علم به

حیات حیوان داشته باشیم، ذبح صحیح است. در حیوان بیهوش، با توجه به اینکه پس از رفع بیهوشی حیوان می‌تواند به زندگی ادامه دهد، می‌توان گفت: ذبح حیوان در حال بیهوشی، حتی در صورتی که حیات مستقر را در صحت ذبح شرط بدانیم، صحیح است (ادیبی مهر، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱-۱۹۷). با این حال، می‌توان فرض کرد که ذبح بدون درد باشد. در این صورت، با توجه به مبانی سینگر، ذبح کاری غیراخلاقی نبوده و ظلم محسوب نمی‌شود.

سودگرایی چالش اصلی سینگر

شاید مهم‌ترین اشکال پیش روی سینگر، بنا کردن اخلاق بر پایهٔ سودگرایی است. تصور کنید در رستورانی مغز حیوانات را زنده‌زنده می‌پزند و می‌خورند. شاید در نگاه سینگر، این کار به دلیل رنج فراوانی که حیوان می‌برد اخلاقاً ممنوع باشد، اما اگر کارگران این رستوران چند تن باشند که هر یک سرپرست خانواده‌هایی نیازمند و گرسنه هستند، آیا باز هم می‌توان به غیراخلاقی بودن آن حکم کرد؟ بنا بر مبنای سینگر، در جایی که نفع مادی ذبح حیوان، بیش از رنجی باشد که حیوان تحمل می‌کند، می‌توان به اخلاقی بودن ذبح قائل شد (هیلس، ۲۰۰۵، ص ۲۴). در حقیقت، سودگرایی سینگر اگرچه ممکن است در مواردی از رنج حیوانات جلوگیری کند، اما می‌تواند در بسیاری از موارد خشن‌ترین رفتارها علیه حیوانات را نیز توجیه کرده، آنها را اخلاقی قلمداد نماید. همان‌طور که روشن است، مطابق مبنای سینگر، شأن اخلاقی حیوانات نسبی بوده و آنان جایگاه اخلاقی متزلزلی دارند. جای بسی تعجب است که سینگر در مقدمه کتاب *آزادی حیوانات* از نگاه ابزاری به حیوانات و استفاده ابزاری از آنان، برای رسیدن به اهداف خود شکوه می‌کند و از لزوم اصلاح این نگاه سخن می‌گوید (سینگر، ۲۰۰۲، ص ۱۸). اما توجه ندارد که همین سودگرایی، در جایی که ذبح حیوان دارای منافع بیشتری باشد، به نفع ذبح حکم می‌کند و این عیناً همان نگاه ابزاری است.

در نتیجه، اینکه مطابق دیدگاه سینگر، شأن اخلاقی حیوان به شرایط افراد، وضع اقتصادی و رفاه آنان، اندیشه‌های متافیزیکی و دینی فرد و عوامل دیگر بستگی داشته و حیوان از هرگونه حق ثابت و پایداری محروم است.

دیدگاه اخلاقی سینگر دربارهٔ حیوانات، در مقایسه با مکاتب اخلاقی‌ای که حقوقی ثابت برای حیوانات قائل‌اند، بسیار ضعیف‌تر است؛ چراکه اعتقاد به شأن اخلاقی ثابت برای حیوانات و پایبندی به حقوق آنان، تحت هر شرایطی، موجب می‌شود تا آنان از وضعیت رفاهی بهتری برخوردار باشند. به‌عنوان نمونه، در اسلام رعایت موارد زیر دربارهٔ حیوانات ضروری است:

- حمایت از سلامت جسمی و جنسی حیوانات در قالب جلوگیری از مثله‌کردن و اخته‌کردن و آمیزش دادن حیوانات ناهمجنس؛
- پرهیز از آزار و اذیت حیوان در قالب داغ نهادن و پی‌زدن و سوزاندن و چیدن کامل پشم؛
- ملاحظات روانی، در قالب به کار نبردن کلمات توهین‌آمیز، ذبح نکردن حیوانات در مقابل یکدیگر، ممنوعیت شکار تفریحی؛
- حمایت از تغذیه مناسب حیوان، در قالب غذای مناسب و کافی، ممنوعیت گرسنه و تشنه نگه داشتن حیوان، تقدم سیراب کردن حیوان بر وضوء در موارد تراحم؛

- لزوم رعایت بهداشت و درمان حیوان، تأمین محل مناسب برای استراحت حیوانات، تمیزی و نظافت محیط زندگی حیوانات (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۸۴-۶۴۱)؛

به نظر می‌رسد، باید به این پرسش که آیا مکاتبی که برای حیوانات حقوق ثابتی قائل‌اند، از دیدگاه ساینگر که مطابق آن اثبات هیچ‌گونه حقی ممکن نیست^۴، متریقی‌تر نیستند؟ - پاسخ مثبت داده و نگاه حق‌محور را در بهبود شرایط حیوانات، مفیدتر قلمداد کنیم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با پرهیز از هرگونه ارزش‌دوری در باب اخلاقی بودن یا نبودن ذبح، روشن شد که دیدگاه ساینگر در چالش کشیدن ذبح حیوانات ناتمام است. ساینگر از دو مقدمه برای اثبات غیراخلاقی بودن ذبح استفاده می‌کند. در مقدمه اول، ذبح را موجب آزار حیوان می‌داند. در مقدمه دوم، آزردهن حیوان را ظلم قلمداد می‌کند. اگر چه در مقدمه اول، با او همراه هستیم، اما مقدمه دوم او قابل پذیرش نیست؛ چرا که پذیرش کلیت این مقدمه، خروج از مبنای سودگرایی است. سودگرایان در جایی که ذبح و کشتن حیوان دارای منافع بیشتری باشد، به نفع ذبح حکم می‌کنند. بنابراین شرایط، عوامل و پیش‌فرض‌های زیادی می‌تواند کلیت این مقدمه را به چالش بکشد. در سنت‌های دینی نیز باور افراد بر آن است که ذبح دارای منافع زیادی بوده و بر رنج حیوان غلبه دارد. دینداران می‌توانند با تکیه بر این مصالح، پاسخی نقضی به ساینگر داده و سود ذبح را بیش از رنج آن قلمداد کنند. براین‌اساس، مقدمه دوم ساینگر ناتمام است و نمی‌تواند ذبح را از نظر اخلاقی به چالش بکشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نام خدا و به ذات خدا، خدایا این عقیقه از طرف فلانی است، گوشتش به گوشت او و خونش به خون او و استخوانش به استخوان او، خدایا آن را وسیله حفظ آل محمد فرما.
۲. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان معتقدند: معده انسان به گونه‌ای ساخته شده که گوشت را هضم کند، لذا فطرت انسان بر گوشت‌خواری بوده و انسان برای حیات خود نیاز به گوشت دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۳۰ ق، ج ۵ ص ۱۳۲-۱۳۴). اما این دیدگاه از نظر ساینگر پذیرفتنی نیست، چراکه او گوشت‌خواری را نوعی عادت غذایی و لذت‌طلبی انسان‌ها دانسته و معتقد است: حیات انسان در گرو گوشت‌خواری نبوده و فطرت انسان بر این امر نیست (ساینگر، ۲۰۰۲، ص ۱۷۸). از آنجاکه بررسی فطری بودن گوشت‌خواری نیازمند بحث مجزای دیگری است، لذا از ورود به آن صرف‌نظر شد.
۳. به‌عنوان مثال، به پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی به این پرسش توجه کنید: اگر پیش از ذبح، حیوان را با آمپول یا با وارد کردن شوک و یا با وسایل دیگر بی‌هوش کنند، آیا چنین ذبحی صحیح است؟ آیا با استقرار حیات منافات ندارد؟ پاسخ: استقرار حیات شرط نیست. به‌علاوه بی‌هوشی منافات با استقرار حیات ندارد (<https://makarem.ir/main.aspx?tid=۲۵۹۲۷۲&mid=۲۸۸۵۸&catid=۰&lid=۲۱typeinfo=?>).
- از منظر مراجع شیعه، آنچه در صحت ذبح شرط است علم به حیات حیوان است و تکان خوردن حیوان قبل یا بعد از ذبح اعتباری ندارد. با این حال، برخی همچون آیات عظام خوبی، تبریزی، فاضل، مکارم معتقدند: تکان خوردن شرط نیست و خروج خون به اندازه متعارف در صحت ذبح کافی است (که این امر در ذبح در حالت بهوش محقق می‌شود) و برخی دیگر همچون آیت‌الله بهجت خروج خون به اندازه متعارف را نیز شرط نمی‌دانند (ر.ک: توضیح‌المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۷۵-۵۷۷).
۴. یکی از اشکالات فاکس به ساینگر نیز همین بود که چرا در بخش اول کتاب «آزادی حیوانات» از حق سخن به میان آمده، درحالی‌که سودگرایی نمی‌تواند حقی را ثابت کند. ساینگر در پاسخ فاکس می‌گوید: هدف او از گفتن واژه حق، همراهی با عرف بوده و خود به عدم امکان استخراج حق با تکیه بر سودگرایی واقف است (ساینگر، ۱۹۸۰، ص ۲۲۷)؛ چراکه حق امری ثابت بوده و در شرایط مختلف از بین نخواهد رفت.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۶ق، *لسان‌العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی و مؤسسهٔ تاریخ العربی. ادیبی مهر، محمد، ۱۳۸۳، *ذبح با ابزار جدید بررسی تطبیقی موازین شرعی ذبح*، قم، بوستان کتاب.
- اصفهانی (الفاضل الهندی)، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، *کشف‌النوام عن قواعد الاحکام*، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی.
- پالمر، مایکل، ۱۳۸۸، *مسائل اخلاقی متن آموزشی فلسفه اخلاق*، ترجمهٔ علیرضا آل‌بویه، تهران، سمت.
- توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید، ۱۳۸۳، تهیه و تنظیم سیدمحمدحسن بنی‌هاشمی، قم، جامعه مدرسین.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح‌الحیة*، قم، اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۳۸۷، *تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة*، قم، ذوی القربی.
- حمصی رازی، سدیدالدین محمود، ۱۴۱۲ق، *المنقذ من التقليد*، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۲، *ابضاح المراد فی کشف المراد*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۳۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، ذوی القربی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۵۸، *تمهیدالاصول در علم کلام اسلامی*، ترجمه و تعلیقات عبدالحسین مشکوة‌الدینی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی، ۱۳۷۸، *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
- علامه حلی، ۱۴۲۲ق، *کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی.
- فاضل مقداد، ۱۴۲۴ق، *اللوامع الالهیه*، قم، مجمع فکر الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۹ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۹، *مهر ماندگار مقالاتی در اخلاق‌شناسی*، تهران، نگاه معاصر.
- نظری توکلی، سعید، ۱۳۸۸، *حیوانات قوانین حمایتی و حقوق بهره‌وری در اسلام*، تهران، سمت.
- Dobel, Patrick, 1998, *The Judeo – Christian Stewardship Attitude to Nature, in Environmental Ethics: Reading Theory and Application*, edited by Louis Pojman, Belmont, CA, Wadsworth Publishing Company, p. 26-30.
- Fox, Michael, 1987, Animal Suffering and Rights: A Reply to Singer and Regan, *Ethics*, v. 88, p. 134-138.
- Franklin, Julian H, 2005, *Animal Rights and Moral Philosophy*, New York, Columbia University Press.
- Harlan B. Miller & William H. Williams, eds, 1983, *Ethics and Animals*, Clifton, Humana Press.
- Häyry, Matti, 1994, *Liberal Utilitarianism and Applied Ethics*, London, Routledge.
- Hills, Alison, 2005, *Do Animals Have Rights?*, UK, Icon Books.
- Moncrief, Lewis W, 1970, “The Cultural Basis for Our Environmental Crisis: Judeo- Christian Tradition is Only One of Many Cultural Factors Contributing to the Environmental Crisis”, *Science*, 170, p. 508–512.
- Sen, Amartya & Williams, Bernard, 1982, *Utilitarianism and Beyond*, New York, Cambridge University Press.
- Singer Peter, 1980, Utilitarianism and Vegetarianism, *Philosophy and Public Affairs*, v. 9, n. 4, p. 325-337.
- Singer Peter, 2002, *Animal Liberation*, United States of America, by Peter Singer.
- _____, 2005, Ethics and Intuitions, *The Journal of Ethics*, p. 331-352
- _____, 2011, *Practical Ethics*, New York, Cambridge University Press.
- White Lynn, 1967, The Historical Roots of Our Ecologic Crisis Author(s), Jr. Source: Science, New Series, v. 155, n. 3767, p. 1203-1207 Published by: American Association for the Advancement of Science Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/1720120>.

An Investigation of Peter Singer's View of Islamic Slaughter of Animals

Ali Akbar Teymouri Fereydani / Ph.D. Student of Ethics at Islamic Maaref University

Received: 2018/10/22 - Accepted: 2019/03/16

aateymoti@gmail.com

Abstract

The reform movement that took place in the late 20th century about animals changed the attitude towards animals. This has challenged some of the prevailing views in Islam. In the meantime, Peter Singer, the pioneer of animal morality, has opened a milestone in this issue by publishing the book “Animal Liberation”. By criticizing Islam and the religions that allow slaughter, he called the act immoral, voting on the need to avoid it, relying on profitability and reasoning. In this paper, using a descriptive-analytical approach, Singer cannot challenge the slaughter by preserving the religious presuppositions - regardless of the value of judging about the slaughter being ethical or not. Also, his argument is flawed and unacceptable; since in the eyes of religious people slaughtering an animal has benefits for the slaughterer and the slaughtered. Thus, Singer cannot challenge the concept of slaughter in religions since believers daresay there is much more benefit than the suffering of the animal. However, in the context of utilitarianism, slaughter can still be considered a moral matter.

Keywords: Slaughter, Singer, Utilitarianism, Suffering, Interest.

The Influence of the Martyrs' Testaments of Kurdistan Province on Promoting Spiritual Intelligence and Self-Esteem

Mohammad Khalediyani / Ph.D. Student Instructor of the Department of Psychology at Payame Noor University of Tehran
mohamad_khaledian22@yahoo.com

Minasadat Rahimi / Ph.D. Student of Counseling, Aras International Campus, University of Tehran

Ali MohammadPanah / Ph.D. student of political sciences, Azad University of Kermanshah, Iran

Received: 2019/03/06 - **Accepted:** 2019/07/24

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of the martyrs' testaments of Kurdistan province on promoting spiritual intelligence, mental health and self-esteem in university students. This study is a quasi-experimental, post-test, and semi-experimental. The statistical population consisted of all male and female students who were a member of Basij in Payam Noor University of Qorveh Branch in the academic year 2015-2016. A sample of 30 students was selected using available sampling method and randomly divided into experimental and control groups. The experimental group received 9 sessions of martyrs' wills of Kurdistan province based on the book "The Complete Testaments of Martyrs", but the control group did not attend classes or sessions. Data were collected using King's 24-item Spiritual Intelligence and Cooper Smith's 58-item Self-Esteem Questionnaires. Descriptive and inferential statistics were used for data analysis. The results showed that the mean scores of spiritual intelligence and self-esteem in the post-test were significantly higher than the post-test in the control group. The findings indicate that martyrs' testaments are effective in improving and enhancing students' spiritual intelligence and self-esteem. Also, martyrs' testaments can be effective in promoting the culture of self-sacrifice and martyrdom.

Keywords: Martyrs' Testaments, Culture of Sacrifice and Martyrdom, Spiritual Intelligence, Self-Esteem.

Ethical Necessities of Incidentography

Mohammad Fouladi / Associate Professor of the Department of Sociology at the IKI fooladi@iki.ac.ir

Hassan Mohiti Ardakan / Ph.D. of the Philosophy of Ethics from the IKI nag1364@yahoo.com

Mahdi Khorasani / MA of the Philosophy of Ethics from the Institute of Ethics and Education

Received: 2019/04/29 - **Accepted:** 2019/09/22

khorasani0232@gmail.com

Abstract

Incidentography is one of the most important professions of society, especially in the media. In any profession, there are ethical necessities and prohibitions. In order to keep incidentography away from moral trauma, it is essential to respect ethics and to pay attention to ethical necessities and prohibitions. This research, use descriptive-analytical method, attempts to explain the ethical necessities of the profession of incidentography by emphasizing on Islamic teachings and on the basis of Islamic moral thoughts. The results indicate that the most important ethical necessities, in the process of receiving news, are its usefulness and edification. At the analysis stage, neutrality and analysis are appropriate. At the transitional stage, the promise of loyalty, commitment to telling the truth, adherence to public interest and confidentiality are among the necessities of ethics.

Keywords: Incidentography, Ethics of Incidentography, Incidents Page, Islamic Teachings.

The Impact of Optimism to God in the Bliss of the World and in the Hereafter

Hossein Mozaffari / Assistant Professor of the Department of Mysticism at the IKI Mozaffari48@Yahoo.com

Received: 2018/11/24 - **Accepted:** 2019/05/09

Abstract

This article is a descriptive and analytical one, examining the role and effect of "optimism to God" on human's bliss by examining, arranging and summarizing verses and narrations and sometimes references to interpretations; a matter which, despite its importance from the point of view of verses and narrations, has not received as much attention in some ethical works as it should. Signs and effects of trust, and signs and consequences of suspicion, are some of the issues covered in this article. In the verses and narrations, only hope in God and fear of sin alone, are included as the signs of trust, and enhancing the ability to endure problems, achieving desires in the world and in the hereafter, being saved from divine torment, being among the righteous, as well as being like the prophets of God in heaven, are among the effects. In contrast, from the perspective of verses and narrations, things like quitting marriage for fear of poverty, not having hope and being pessimistic, and vices like being stingy, fear and greed are included as the means and signs of being suspicious to God, and misery in the world and being caught in the doom of the hereafter are also the consequences.

Keywords: Optimism, Trust, God, Pessimism, Suspicion, Bliss, the World, the Hereafter.

A Comparative Conceptualization of the Sensual Traits in the Works of Islamic Philosophers and Scholars

Mehran Rezaei / Assistant Professor of the Faculty of Theology and Islamic Studies at Mazandaran University

m.rezaee@umz.ac.ir

Mohammad Reza Kāmyab / Fourth Level Student of Qom Seminary

mkamyab21@gmail.com

Received: 2019/02/26 - **Accepted:** 2019/07/17

Abstract

One of the major topics in the field of anthropology, ethics, and philosophy of decision is the discussion of sensual traits, in which, the "conceptualization and detailed explanation of trait's definition" takes precedence over other issues. Examination of the works of philosophers and Islamic scholars has revealed differences in the definition of "trait". This research seeks to first discover and categorize existing definitions of trait in the works of philosophers and Islamic scholars. Then, while having a comparative review of definitions, analyzes the type of difference and their semantic relationship. The research method is descriptive-analytical. Based on the research findings, the definitions of traits can be divided into six categories based on these criteria: 1. Intrusion, 2. Speed of Deterioration, 3. Deployment in the Subject, 4. Possibility of Separation, 5. Fixity, 6. Difficulty of Deterioration. According to the comparative study, these definitions and criteria, in spite of the differences, are not generally unrelated; and there is some kind of semantic relation between them. The criteria are divided into basic and non-basic. Some of these criteria were the same as others and some have a causal relationship with others. These explanations of the semantic relationship of the criteria have led to a conceptual model in research.

Keywords: Traits, Islamic Philosophy, Ego, Anthropology, Philosophy of Decision.

The Quran and the Controlling Moral Values of the Three-Dimensional Areas of Man

Ali Rezvani / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Shahrood Branch
alirezvani2200@yahoo.com

Ahmad-Hussein Sharifi / Professor Department of Philosophy, IKI

sharifi1738@yahoo.com

Received: 2019/03/02 - **Accepted:** 2019/08/06

Abstract

"Moral values" are human's current and voluntary values that are desirable; i.e., the very purpose of or is to bring human beings into voluntary actions. The human or spiritual dimension of the human being has three areas: 1. Insight or cognition, 2. Emotional or attitudinal, 3. Behavioral or kinetic. Each of these areas in the Quran have a deep and inextricable connection to one another, each forming a part of human truth and nature and moving towards deepening cognition and values. This paper attempts to describe each of the areas of the human soul in a descriptive-analytic way, explaining the instances of the ethical values of the three existential aspects of the human being in the Quran, and their relation to each other.

Keywords: Value, Moral Values, Aspects and Areas of Man, the Quran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Abstracts

The Foundations of Anthropology and Theology in the Ethical Approach of Allameh Tabataba'i

Mustafa Mokhtari / Master of Islamic Studies and Philosophy from Baqir al-Olum University

mokhtare.m14@gmail.com

Seyyed Ahmad Ghafari Gharrebagh / Assistant Professor at Iranian Institute of Philosophy

Received: 2018/12/28 - **Accepted:** 2019/05/09

yarazegh@yahoo.com

Abstract

In the ethics, human's freewill deeds, good characteristics and traits, and moral vices of the self are discussed, and the ways of self-purification are expressed. In the meantime, the quality of the actions of sensual forces has a direct impact on the quality of one's ethical life. The importance of this issue is that morality is not separate from man, but is the maker of his real identity and his real I. Allameh Tabataba'i, with emphasis on the originality of the sensual forces and its role in the quality of issuing moral act, offers an anthropological approach to the field of ethics. In this approach, all ethical concepts are summarized in the concept of "moderation" and the path to moral training and liberation from vices is described as moderation in the inner forces of the self. He describes the place of the perceptions of practical reason unmatched; but since Allameh's anthropology is not separate from his theology, while linking these two foundations, using the teachings of the Quran, finally, he adopts the "monotheistic ethics" approach and introduces it as the most comprehensive ethical approach to pre-Islamic moral schools. The method of this article is analytical and using library data.

Keywords: Ethics, Self, Moderation, Reason, Monotheism, Allameh Tabataba'i.

Table of Contents

The Foundations of Anthropology and Theology in the Ethical Approach of Allameh Tabataba'I / Mustafa Mokhtari / Seyyed Ahmad Ghafari Gharrebagh5

The Quran and the Controlling Moral Values of the Three-Dimensional Areas of Man / Ali Rezvani / Ahmad-Hussein Sharifi19

A Comparative Conceptualization of the Sensual Traits in the Works of Islamic Philosophers and Scholars / Mehran Rezaei / Mohammad Reza Kāmyab35

The Impact of Optimism to God in the Bliss of the World and in the Hereafter / Hossein Mozaffari47

Ethical Necessities of Incidentography / Mohammad Fouladi / Hassan Mohiti Ardakan / Mahdi Khorasani57

The Influence of the Martyrs' Testaments of Kurdistan Province on Promoting Spiritual Intelligence and Self-Esteem / Mohammad Khalediyani / Minasadat Rahimi / Ali MohammadPanah.....73

An Investigation of Peter Singer's View of Islamic Slaughter of Animals / Ali Akbar Teymouri Fereydani.....85

In the Name of Allah

Ma'rifat-i Ākhlaqī

An Academic Semiannual on Ethical Inquiry

Vol. 10, No. 2

Fall & Winter 2019-20

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

Manager: *Mahmud Fathali*

Editor in chief: *hadi Hosseinkhani*

Executive manager: *sajad solgi*

Editorial Board:

- ▣ **Dr. Hamid Parsania:** *Assistant Professor, Bagher AlAulum University*
- ▣ **Dr. Mohssen Javadi:** *Professor, Qom University*
- ▣ **Dr. Mohammad Saidi Mehr:** *Associate Professor Tarbiyat Mudarris University*
- ▣ **Dr. Ahmad Hossein Sharifi:** *Professor IKI*
- ▣ **Dr. Mahmud Fathali:** *Assistant Professor IKI*
- ▣ **Mojtaba Mesbah:** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Dr. Ahmad Vaezi:** *Associate Professor, Bagher AlAulum University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd, Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +98-25-32113480

Fax: +98-25-32934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.isc.gov.ir & www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir